

علل و پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی در پرتو امنیت انسانی با تأکید بر حقوق بین‌الملل: چالش‌ها و راهکارها

آناهیتا سیفی*

چکیده

زنان با توجه به سهم قابل توجهی که در مهاجرت‌ها دارند، نقش مهمی در سیاست‌گذاری مهاجرتی ایفا می‌کنند و توجه به شرایط آسیب‌پذیر آنها ضروری است. از اهداف این نوشتار بررسی علل و پیامدهای ناشی از زنانه شدن مهاجرت و نقد و بررسی سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی با رویکرد توصیفی-تحلیلی می‌باشد. رویکرد امنیت انسانی به جای تأکید بر حفظ امنیت دولت، بر عوامل متعدد از جمله محرومیت اقتصادی، سیاسی، آزار و اذیت، تمایز بین مهاجران داوطلبانه و اجباری و برجسته کردن این چالش‌ها تأکید دارد. بنابراین به دنبال شناسایی و کاهش تهدیداتی که منجر به مهاجرت‌های اجباری و غیرقانونی می‌شود می‌باشد. پژوهش حاضر تأکید دارد برای کاهش آسیب‌ها و افزایش فرصت‌های ناشی از زنانه شدن مهاجرت، باید سیاست‌های توسعه و قوانین مهاجرت بازتاب نیازهای مختلف زنان باشد و همکاری در تمام سطوح مختلف جامعه بین‌المللی، ملی، جامعه مدنی، سازمان‌های توسعه و بشردوستانه برای حمایت از حقوق زنان مهاجر، ارائه و ارزشیابی سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی در راستای کاهش بین سیاست و عمل، داده‌ها و اطلاعات براساس تفکیک جنسیتی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: زنانه شدن مهاجرت، امنیت انسانی، مهاجرت بین‌المللی، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، سیاست‌های مهاجرت.

* استادیار حقوق بین‌الملل، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی
a.seifi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۲

۱. مقدمه

در اهمیت مهاجرت به عنوان امری مؤثر بر اجتماعات انسان تردیدی نیست، در مواقع بسیاری، مهاجرت‌ها ارادی و خودخواسته نبوده و ضرورت‌های اقلیمی، سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی افراد را مجبور به گریز از مکان خود نموده است، اما حتی در این موارد نیز یافتن شرایط بهتر و امید به ارتقای شرایط زیست، محرک انسان‌ها برای ترک سرزمین و یا وطن خویش بوده است (خاوری نژاد، سعید، ۱۳۹۳: ۱۹). ادبیات مهاجرت به طور مداوم در حال رشد است، با این حال نظریه پردازی درباره مهاجرت در مقایسه با دیگر شاخه‌های بین‌المللی، چندان قوی نیست. این ممکن است به دلیل پیچیدگی و تنوع مناطق مختلف تحت پوشش مهاجرت بین‌المللی باشد (Wickramasinghe, A.A.I.N, 2016: P.13). مهاجرت در فرایند جهانی شدن به طور جدایی‌ناپذیر با موضوعات مهم جهانی از جمله، توسعه، فقر و حقوق بشر در ارتباط است. ما شاهد افزایش نگرانی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای کنترل (اجازه یا محدود کردن) این جریان که در زمان‌های مختلف از نظر دولت‌ها به دلیل این که منجر به درگیری فرهنگی یا به چالش کشیدن حاکمیت دولت‌ها از طریق افزایش بی‌نظمی و فراملی‌گرایی خطرناک به نظر می‌رسد، هستیم (Karen, Oreilly, 2012: P.5). مهاجرت پدیده‌ای چندبعدی، پیچیده و تاریخی است. براین اساس در طی تاریخ شاهد مهاجرت و جابه‌جایی محدود و یا عظیم گروه‌های انسانی بوده ایم که به دلایل مختلف طبیعی، اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی یا امنیتی گزینه مهاجرت را انتخاب کرده‌اند یا برای رهایی از مشکلات و چالش‌ها مجبور به مهاجرت شده‌اند. در طی دهه‌های اخیر، مهاجرت چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی به یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت‌ها تبدیل شده است. همانند سایر پدیده‌های اجتماعی - جغرافیایی مهاجرت داخلی و بین‌المللی دربردارنده برخی از فرصت‌ها و چالش‌ها برای مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر می‌باشد (زرقانی، سجاسی قیداری، موسوی، ۱۳۹۵).

یکی از مهمترین تحولات مهاجرتی در دهه‌های اخیر ورود بیش از پیش زنان در فرآیند مهاجرتی و افزایش مهاجرت زنان مستقل است که زنانه شدن مهاجرت نامیده می‌شود. کاستلز و میلر به ظهور عصر مهاجرت اشاره داشته و از پدیده‌هایی نظیر جهانی شدن مهاجرت، تسریع و شتاب مهاجرتی، تفکیک و تمایزپذیری مهاجرت، زنانه شدن مهاجرت و سیاست‌های مهاجرتی به عنوان پنج ویژگی اصلی عصر مهاجرت (Migration Period) نام برده‌اند. به طوری که سهم جمعیت زنان مهاجر در هر دو نوع مهاجرت داخلی و بین‌المللی

افزایش چشمگیری یافته است. این پدیده نگرانی‌های عمده‌ای را در خصوص سیاست‌های اساسی در زمینه‌ی انطباق‌پذیری مهاجران زن در محیط شهری و امنیت و حقوق زنان در فرآیندهای مهاجرتی ایجاد کرده است (مشفق، خزایی، ۱۳۹۴: ۸۶). مهاجرت یکی از ویژگی‌های قرن بیست و یکم بوده و برای دستیابی به توسعه پایدار و امنیت نیاز به درک بهتر از مهاجرت، علل، پیامدها و مفاهیم کلیدی مرتبط با آن مثل بهداشت، سلامتی، آموزش، جنس، سن و... داریم. یک فرد از هر جنس، سن، مذهب، نژاد، قومیت، سلامت و یا معلولیت مهاجرت را تجربه کرده است. مهاجرت در درون کشورها، منطقه‌ای و بین‌المللی شامل بسیاری از مردم با انگیزه‌های مختلف می‌شود. تصمیم‌گیری برای مهاجرت ممکن است اجباری و در شرایط جنگ و فاجعه و بحران باشد. یا ممکن است به درجات مختلف شامل انتخاب و یا ترکیبی از انگیزه و اجبار باشد. بنابراین در مهاجرت عوامل پیچیده‌ای از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دخیل می‌باشد. ویژگی‌هایی مانند جنسیت و سن نقش قوی و مؤثر در این که چه گروهی از مردم و کجا مهاجرت می‌کنند. جنس و سن افراد نقش کلیدی در مهاجرت بازی کرده و آن‌ها را بیشتر یا کمتر با تجربه خشونت جنسی و یا نوع خاصی از استثمار نیروی کار و قاچاق انسان روبه‌رو می‌کند. (Birchall, Jenny, 2016: P.3). از مهاجرت زنان به عنوان کارگر، پناهنده، دانشجوی، شرکای تجاری، ... با نام زنانه شدن مهاجرت می‌توان نام برد. این نوع مهاجرت شدیداً تحت تأثیر جنسیت است و می‌تواند محدودیت‌ها و فرصت‌ها و انگیزه‌هایی برای مهاجرت باشد (Anderson, Bridget: 2015). برخی نیز مهاجرت زنان مستقل از مردان را زنانه شدن مهاجرت (Feminization of Migration) می‌نامند. در گذشته زن به عنوان فرد وابسته به مرد مهاجرت می‌کرد در حالی که در حال حاضر بسیاری از زنان مجرد و یا زنان با کودکان خود مهاجرت می‌کنند (Gouws, Amanda, 2016: P.1) در دهه‌های اخیر تعداد مهاجران زن به طور قابل توجهی در پاسخ به تغییر بازار کار به خصوص تقاضای گسترده برای کار ارزان زنان به دنبال رشد تقاضا جهت به کارگیری زنان از کشورهای فقیر در بخش‌های مراقبت در کشورهای توسعه یافته در سطح جهان افزایش یافته است. مهاجران نیروی کارزن بیشتر به عنوان پرستار بچه، خدمتکاران و کارگران جنسی در نبود حمایت‌های قانونی مناسب به کار گرفته می‌شوند (Nicolas, Cesar, 2007: P.2). زنان و مردان تفاوت‌های قابل توجهی در رفتارهای مهاجرتی خود، مواجهه با فرصت‌های مختلف و مقابله با ریسک‌ها و تهدیدهایی نظیر آسیب‌پذیری در برابر حقوق انسانی، سوء استفاده‌های جنسی، استثمار و ریسک‌های سلامتی

نشان می‌دهند. لذا، به طور فزاینده‌ای آشکار می‌باشد که مهاجرت پدیده‌ی "بی‌طرف جنسیتی" (gender-neutral phenomenon) نمی‌باشد. زنان در حال حاضر بیش از نیمی از مهاجرتهای بین‌المللی در نواحی توسعه یافته و اندکی کمتر از نصف مهاجرتهای کشورهای کمتر توسعه یافته را در تشکیل می‌دهند. این اختلاف منعکس‌کننده تبعیضات و تعصباتی در رابطه با کار زنان و مردان و همچنین دستمزد و استانداردهای زندگی، سیاستهای دولتی و شیوه‌های استخدام برای آنها می‌باشد. زنانه شدن مهاجرتها یا به عبارتی توسعه مهاجرت زنان، یکی از مساله سازترین اشکال مهاجرت است که مسائلی نظیر تجاری شدن مهاجرت، سوء استفاده از زنان، استثمار و ... را در وجوه اجتماعی به همراه خواهد داشت. زنان نیز نظیر مردان بنا به علل مختلفی نظیر یافتن شرایط بهتر زندگی، حمایت از فرزندان خود، گریز از آشفتگی‌های سیاسی، آموزش، کار و گاه مهاجرت با سرانجامی مبهم را به قرار در منطقه محل زندگی خود ترجیح می‌دهند. (صادق‌لو، ۱۳۹۳: ۶).

در پی بررسی فرایند زنانه شدن مهاجرت نیروی کار، الگوهای مختلف و سازوکارهای اجتماعی نشان می‌دهد که این فرایند باعث افزایش تنش‌های اجتماعی جدید به خصوص در خانواده، میان کودکان و در روابط جنسیتی شده است. مدل‌های سنتی از روند مهاجرت نیروی کار که به طور کلی مردسالار بود در حال تغییر است (Kholmatova, Noira, 2016:P.1). اشتغال برای زنان مهاجر معمولاً محدود به اشتغال در بخش خدمات داخلی و صنایع مربوط به جنسیت که منعکس‌کننده شرایط اجتماعی، فرهنگی و جنسی متفاوت در کشورهای مبدا و مقصد است. حوادث خشونت‌آمیز علیه زنان مهاجر خارج از کشورشان در این حوزه‌ها به طور فزاینده توسط سازمان‌های غیردولتی گزارش شده است. انواع سوء استفاده‌های جنسی توسط کارفرمایان و دیگر آزارجسمی و روانی و شرایط کار استثمارگرایی و غیرانسانی و بردگی زنان به تعداد روزافزون در طی جریان مهاجرت که شامل قاچاق از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای پیشرفته ترمی باشد ارائه گردیده است. (Piper, Nicola, 2003 : PP.723,724). سیاست‌ها و برنامه‌های مهاجرت به عنوان یکی از عوامل مهم در این آسیب‌پذیری‌ها مخصوصاً با تقویت کلیشه‌ها و ایجاد محدودیت‌ها به شمار می‌آید، که نتیجه آن افزایش کارگران بدون مجوز است (سیاست‌های مهاجرتی در رابطه با ارائه قراردادهای کوتاه مدت یا بدون قرارداد). اکثریت زنان مهاجر در جنوب شرقی و شرق آسیا هنوز هم به عنوان نیروی کار غیرماهر با قراردادهای کار کوتاه مدت یا در بخش خدمات به عنوان کارگران جنسی که با سطح قابل توجهی از

خطر روبه رو می‌شوند مشغول کار هستند. برخی از دیدگاه‌های کلیشه‌ای وجود دارد که به زنان به عنوان وابستگان یا افراد ثانویه نگاه می‌کنند. سنت‌های مردسالارانه و نهادهایی که زن در پایین‌ترین رتبه در خانواده و نیروی کار قرار دارند. این نابرابری‌های اجتماعی زنان را برای جستجوی فرصت‌های بهتر برای بهبود وضعیت اقتصادی و ادار به مهاجرت می‌کند. در نتیجه مهاجران زن در معرض سطح شدید و انواع مختلف از تعصب، تبعیض، استثمار و خشونت قرار داشته و تعداد قابل توجهی از مهاجرین زن از بد رفتاری، بی‌عدالتی و فقر نسبی و از خودبیگانگی رنج می‌برند (Piper, Nicola, 2003: PP.726,727). داده‌های بخش جمعیت سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که ۴۸ درصد سهم مهاجرت‌های بین‌المللی را زنان تشکیل می‌دهند (مشفق، محمود، خزایی، معصومه ۱۳۹۴: ۸۷). انجام تحقیقات بیشتر و جمع‌آوری اطلاعات به تفکیک جنس و پرداختن به شکاف دانش و ارائه تجزیه و تحلیل‌های کامل‌تر از جنسیت و مهاجرت و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای زنان ضروری است. زنانه شدن مهاجرت از نظر برخی محققان می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌هایی برای زنان ایجاد کند. مهاجرت می‌تواند به پیشبرد برخی از هنجارهای اجتماعی عادلانه، بهبود حقوق زنان و دسترسی به منابع منجر شود. البته اگر چه مهاجرت می‌تواند تا حد زیادی مفید باشد اما بسیاری از محدودیت‌ها را نیز می‌تواند ایجاد نماید، از جمله هنجارهای اجتماعی و قوانین محدود یا انواع تبعیض نژادی، جنسیتی. بسیاری از کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها و قوانین بین‌المللی در راستای حفاظت از حقوق مهاجران زن ایجاد شده است و کشورها اقداماتی برای بهبود منافع مهاجران و کاهش آسیب‌پذیری و خطرات برای آن‌ها انجام داده‌اند. اما هنوز زنان مهاجر مخصوصاً مهاجران غیرقانونی، با خطرات زیادی مواجه هستند و برابری فرصت‌ها در خیلی از کشورها مورد پذیرش قرار نگرفته است. با این وجود می‌توان خطرات این مهاجرت‌ها را کاهش داده و منافع و فرصت‌های آن را افزایش داد که این امر از طریق همکاری‌های ملی و بین‌المللی امکان‌پذیر است. دولت‌ها می‌توانند با تصویب و الحاق به معاهدات و کنوانسیون‌های ترویج حمایت از حقوق زنان مهاجر و با توافقات دو یا چند جانبه منطقه‌ای و استفاده از مشارکت و مشاوره همه‌ذی‌نفعان، آسیب‌های ناشی از زنانه شدن مهاجرت‌های بین‌المللی را کاهش داده و در راستای افزایش مهاجرت امن برای زنان قدم بردارند. هدف از این نوشتار تاکید بر مسائل زنان در مهاجرت بین‌المللی است، تا عدم توجه و اطلاعات ناکافی در مورد زنان مهاجر را پوشش دهد. زنان با توجه به سهم قابل توجهی که در مهاجرت‌ها

دارند، نقش مهمی در سیاست‌گذاری در عرصه مهاجرت و مهاجرپذیری ایفا می‌کنند و توجه به شرایط آسیب‌پذیر آنها امری ضروری است. این پژوهش به دنبال مرور سیاست‌ها، فرصت‌ها، خطرات و آسیب‌پذیری‌های زنان مهاجر بوده و تلاش دارد تا با تأکید بر حمایت حقوق بشر از مهاجران در پرتو مباحث امنیتی به چالش‌های مهاجرت بین‌المللی زنان پرداخته و توصیه‌هایی برای توجه بیشتر به حقوق زنان مهاجر و ارائه منابع و خدمات لازم در زمینه‌های بهداشتی، حقوقی و مالی ارائه نماید. در این راستا توصیه می‌شود که دولت‌ها با پیوستن به معاهدات و کنوانسیون‌های ترویج حمایت از حقوق زنان مهاجر بین‌المللی از عدم تبعیض علیه زنان و دسترسی زنان به بازار کار مناسب حمایت کنند. مفاهیمی مانند امنیت انسانی، علل، فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی مهاجرت زنان، سیاست‌های مهاجرتی کشورها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اهمیت دستیابی به آمار و ارقام به تفکیک جنسیتی در مهاجرت و توصیه‌هایی برای کاهش آسیب‌های مهاجرتی زنان از مباحث مطروحه در مقاله حاضر می‌باشد.

۲. مهاجرت و رابطه آن با امنیت انسانی

منشور سازمان ملل متحد اذعان می‌دارد که نظم بین‌المللی، صلح و امنیت نمی‌تواند بدون توجه به فرد و رفاه او باشد و بر ضرورت ارتقاء امنیت در موارد متعدد از جمله در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، بالاترین استانداردهای زندگی، اشتغال کامل، آزادی برای همه بدون توجه به نژاد، جنس، زبان یا مذهب تأکید می‌نماید. اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل اصول و هنجارهایی است که معاهدات بعدی بین‌المللی و معاهدات حقوق بشر و عرف از آن الهام گرفته‌اند. اعلامیه نقش محوری در حمایت از تعریف انسان محور امنیت ایفا می‌کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر کمک کرد تا زمینه برای پارادایم امنیت انسانی آماده شود. (Vietti, Francesca, 2013: P.19). دبیرکل سازمان ملل در این رابطه بیان می‌کند: "مهاجرت برای دستیابی به کرامت انسانی، امنیت و آینده‌ای بهتر است. برای دستیابی به توسعه پایدار اهداف توسعه هزاره نیاز به درک بهتری از مهاجرت و مفاهیم کلیدی مثل بهداشت، آموزش، جنسیت و کار داریم" (Oneil Tam, Fleury, Anjali & Foresti, Marta, 2016: P.3). هنگامی که مهاجران و یا پناهندگان تصمیم به شروع سفر از چند هزار مایل از کشور خود می‌کنند این کار آن‌ها را با خطرات ناشناخته که می‌تواند هزینه زندگی‌شان باشد درگیر می‌کند. چند مورد از مرگ‌های ثبت شده با توجه به برآورد سازمان بین‌المللی

مهاجرت در دو ماه اول سال ۲۰۱۶، ۴۱۸ مرگ و میر می باشد که در مسیر مهاجرت از بالکان و در دریای مدیترانه رخ داده است (Zeljko, Goran, Ognjanovic, Maja:2016).

یکی از عوامل مهم تاریخی و جغرافیایی مهاجرت، جنگ ها و ناامنی های عمده دست ساخت بشر بوده است (یزدان پناه درو، ۱۳۹۴: ۳۴۷). امنیت انسانی، انسان و امنیت او را به عنوان موضوع محوری در نظر می گیرد. مفهوم امنیت انسانی شامل تمام جنبه های حقوق بشری است از جمله: رفع نیازهای اساسی، خواسته های سیاسی، آزادی، اجتماعی، رهایی از ترس و رهایی از فقر به طور همزمان. همراه با این تغییر مفهوم امنیت است که دیگر دولتها تنها مرجع و موضوع اصلی امنیت نمی باشند، بلکه منافع مردم و بشریت به عنوان یک حق جمعی در هسته اصلی و مرکزیت امنیت قرار می گیرد. در این رویکرد امنیت همه جانبه می شود، وضعیتی که در آن فرد شهروندان در صلح و آزادی و امنیت زندگی می کنند و مشارکت کامل در روند حکومت دارند. دسترسی به منابع و ضروریات اولیه زندگی از جمله بهداشت و آموزش و پرورش و ریشه کن شدن فقر، از اهداف آن می باشد (Fukuda, Parr, S. & Messineo, C: 2012, PP. 2,3). نگرانی اصلی افزایش مهاجرت بین المللی زنان و به تبع آسیب پذیری زنان مهاجر نسبت به تبعیض، استثمار و سوءاستفاده جنسی، شرایط نامساعد کار می باشد. این که چرا زنان مهاجر آسیب پذیرتر هستند و چگونه می توان این آسیب های ناشی از مهاجرت زنان را کاهش داد از دغدغه ی رویکرد مذکور می باشد.

در سال های اخیر بسیاری از کشورها مقادیر زیادی در زمینه امنیت مرزی از طریق به کارگیری سربازان و نگهبانان مرزی، ساخت و ساز موانع و نرده ها و بازداشت ها و ... هزینه کرده اند. بر اساس گزارش مؤسسه سیاست مهاجرت در سال ۲۰۱۲، ایالات متحده نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار برای اجرای دو طرح، گمرک و حفاظت مرزی و مهاجرت هزینه کرده است. یعنی تلاش برای حفظ امنیت دولت در برابر آن چه به عنوان یک تهدید برای استقلال ملی درک شده است. در حالی که رویکرد امنیت انسانی به جای تأکید بر حفظ امنیت دولت، بر عوامل متعددی از جمله محرومیت اقتصادی، سیاسی، آزار و اذیت، پاکسازی قومی و تمایز بین مهاجران داوطلبانه، اجباری و غیرارادی، سوء استفاده، تبعیض، خشونت و نقض حقوق بشر مهاجران اجباری از کشورهای درگیر در جنگ و برجسته کردن این چالش ها می پردازد (Vietti, Francesca, 2013:PP.22,23). بنابراین به جای تلاش برای مقابله با مهاجرت به عنوان مدل امنیت دولت محور، رویکرد امنیت انسانی به دنبال شناسایی و کاهش تهدیداتی که منجر به مهاجرت های اجباری و غیرقانونی می شود

می‌باشد. دبیر کل سازمان ملل متحد کوفی عنان از جامعه بین‌المللی می‌خواهد نگاه جامع‌تر به ابعاد مسئله مهاجرت داشته باشد و علل تأثیرگذار بر مهاجرت میلیون‌ها نفر از کشورهای مبداء و روابط پیچیده بین توسعه و مهاجرت را مورد تأکید قرار می‌دهد. نابرابری بین کشورهای فقیر و غنی در دو قرن گذشته به سرعت گسترش یافته است. تفاوت درآمد و رشد، دسترسی به تسهیلات بهداشتی، آب شرب سالم، آموزشی،... باعث می‌شود برای دسترسی به شرایط زندگی بهتر مهاجرت اجباری افزایش یابد (Vietti, Francesca, 2013:PP.23,24). در سطح ملی دولت‌ها به جای پرداختن به علل تبعیض جنسیتی، به خطرات مهاجرت زنان می‌پردازند. برخی از دولت‌ها ممنوع کردن مهاجرت زنان را به عنوان محافظت زنان و کودکان در نظر می‌گیرند، در حالی که این امر با حقوق بشر زنان متناقض است. مهاجران زن به ویژه دختران کمتر اطلاعات داشته و آموزش دیده‌اند و گزینه‌های کمتری برای مهاجرت قاعده‌مند پیش رو دارند و به همین دلیل بیشتر در معرض خطر استثمار و از جمله قاچاق قرار می‌گیرند (Oneil Tam, Fleury, Anjali & Foresti, Marta, 2016:P.5).

۳. ابعاد جنسیتی مهاجرت: علل و پیامدها

پدیده‌ی مهاجرت مقوله‌ای است که در بسیاری از دیدگاه‌ها و مکاتب مورد بحث قرار گرفته است. گروه‌هایی آن را پدیده‌ای مثبت و مؤثر در توسعه معرفی می‌نمایند همچون کارکردگرایان، توسعه‌گرایان، نئوکلاسیک‌ها و نظریه پردازان دیدگاه نوسازی. بسیاری از مکاتب و نظریه پردازان نیز آن را منفی برمی‌شمارند از قبیل نئومارکسیست‌ها، طرفداران مکتب وابستگی، تئوری سیستم‌های جهانی به نحوی که مهاجرت به عنوان پای ثابت بسیاری از معضلات جامعه معرفی می‌گردد (و ثوقی، منصور، حجتی، مجید، ۱۳۹۱: ص ۲۵). یکی از مهمترین ویژگی‌های مهاجرت در عصر جدید که به عصر مهاجرت معروف است، زنانه شدن مهاجرت است. زنانه شدن مهاجرت، ابعاد کمی و کیفی دارد در بعد کمی افزایش حضور زنان در جریانات مهاجرتی به بیش از ۵۰ درصد و در بعد کیفی، زنان دیگر فقط مهاجران تبعی نیستند بلکه خود نیز نقش فعال و حضور مستقلی در فرایند مهاجرت دارند. یکی از محورهای کلیدی مبحث زنانه شدن مهاجرت، جنسیت است. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر درباره جنسیت و مهاجرت نشان می‌دهند که جنسیت به طور اساسی روابط و ساختارهای اجتماعی را که بر علل و پیامدهای مهاجرت تأثیر می‌گذارد، تحت تأثیر قرار

می‌دهد. شواهد تحقیقاتی اخیر در کشورهای مختلف بیانگر آن است که هر نقطه از فرایند مهاجرت، جنسیت محور است و جنسیت، به عنوان سازه‌ای اجتماعی فرهنگی، نقش پررنگی در آن ایفاء می‌کند. جنسیت، نقش‌ها، روابط و نابرابری‌های جنسیتی، مسیرها و سازماندهی جریان مهاجرتی را شکل داده، افراد را به مهاجرت تشویق و یا از آن باز می‌دارند، پیامدها و تبعات مهاجرت در مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار داده در نهایت، هویت و ادغام مهاجران را شکل می‌دهند. از اینرو، مردان و زنان در فرایند مهاجرت به یک اندازه سهم نداشته و انگیزه‌های آنان نیز متفاوت است. مردان عمدتاً با انگیزه‌های اقتصادی دست به مهاجرت می‌زنند، اما زنان بیشتر به دلایل اجتماعی و فرهنگی مهاجرت می‌کنند. مهاجرت زنان می‌تواند یک راه‌حل برای فرار از محدودیتها و کمبودهای تحمیل شده ساختاری و خانوادگی و نیز فرار از کنترل اجتماعی و تبعیض جنسیتی و همچنین پیشداوری‌های موجود در جوامع مبدأ باشد و نیز امکان اشتغال در کارهایی که به طور اجتماعی در جامعه مبدأ محدودیت داشته را فراهم کند. (صادقی، ولدوند، ۱۳۹۴: ۵۶، ۵۹).

مطالعات نشان می‌دهد زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار می‌گیرند (مؤمنی زاده، ندا، ۱۳۹۳: ۱۱۶). بسیاری از سهم مهاجران بین المللی را جوانان به عنوان بخش قابل توجهی تشکیل می‌دهند. ۲۸ میلیون از این مهاجران افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله می‌باشند. در این میان حفاظت و احترام و تحقق حقوق بشر مهاجران یک اصل اساسی و پایه محکم برای سیاست مهاجرت و توسعه محسوب می‌شود (Cortina, Jeronimmo & Taran Patrick, Raphael, Alison, 2014: PP.2,3). در سال ۲۰۱۵ تعداد کل مهاجران بین‌المللی به ۲۲۴ میلیون رسیده که ۱۷۳ میلیون در سال ۲۰۰۰ بوده است. تقریباً نیمی (۴۸٪) از مهاجران بین‌المللی در سال ۲۰۱۵ را زنان تشکیل داده‌اند. از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۵ مهاجرت زنان و دختران به کشورهای در حال توسعه (۱۵/۸٪) افزایش یافته است. نسبت مهاجران زن به اروپا، آمریکای لاتین و کارائیب، شمال آمریکا و اقیانوسیه افزایش یافته و همین تناسب به آفریقا و آسیا کاهش یافته است (UNDESA: 2016). با توجه به جابه‌جایی اجباری در سال ۲۰۱۵ تعداد پناهندگان در سراسر جهان به ۲۱/۳ میلیون افزایش یافته است. بالاترین سطح از زمان جنگ جهانی دوم است. پناهندگان در حدود ۸ درصد از تعداد کل مهاجران بین‌المللی بوده‌اند که ۴۷ درصد از پناهندگان دختران و زنان بوده‌اند (UNHCR: 2016). ابعاد جنسیتی و چالش ناشی از آن قابل توجه است، بنابراین فعالیتهای خاص جنسیتی برای کاهش زنان و دختران مهاجر، کاهش فقر و ناامنی، گسترش

دسترسی آن‌ها به اقتصاد و رشد پایدار، بهداشت، آموزش و تحصیلات و عدالت مورد نیاز است. سیاست‌گذاران و متخصصان در این حوزه می‌بایست درک درستی از تأثیرات جنسیتی و چگونگی افزایش نابرابری داشته باشند و اقداماتی در جهت مقابله با رفتارهای مضر مربوط به جنسیت و کاهش تبعیض جنسیتی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب زنان و دختران داشته باشند (Oneil Tam, Fleury, Anjali & Foresti, Marta: 2016, P.3). اما با وجود مهاجرت قابل توجه زنان، ما با فقدان اطلاعات و داده‌ها به تفکیک جنسیت در این رابطه مواجه هستیم. از سال ۱۹۸۰ تحقیقات تمرکز خود را بر روی زنان مهاجر قرار دادند. با این حال، امور اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد (UNDESAJMS: p.1) نشان می‌دهد از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ تعداد کشورهایی که اطلاعات به تفکیک جنسیتی مهاجر ارائه داده‌اند کاهش داشته است. درک نقش زنان در مهاجرت نه تنها به داده‌ها و اطلاعات به تفکیک جنسیت بستگی دارد، بلکه به درک و فهم از چگونگی نقش ارتباط جنسیت با هر نوع از مهاجرت دارد. تحقیقاتی که درباره مهاجرت انجام می‌گیرد اغلب بر اساس مسائل اقتصادی و مالی، هزینه و فایده تجزیه و تحلیل می‌شود. لیکن در این تجزیه و تحلیل ابعاد جنسیتی مهاجرت دارای اهمیت است. این تجزیه و تحلیل‌ها باید شامل یک تفسیر اجتماعی که ریشه در هنجارهای فرهنگی و جنسیتی که مرتبط با شکل نقش‌ها و انتظارات و رفتارهای مرتبط با آن‌ها باشد. تحلیل جنسیتی نشان می‌دهد که چگونه جنسیت می‌تواند دسترسی به منابع و تفاوت در قدرت و برابری را در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و حقوقی تحت تأثیر قرار دهد (Fleury, Anjali 2016: P.1).

۱.۳ علل زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی

رابطه جنسیت و مهاجرت، پیچیده است و توسط عوامل متعددی در سطوح مختلف تبیین می‌شود. در سطح کلان، نظام‌های اقتصادی و بازار کار؛ در سطح میانی، شبکه‌های مهاجرتی و در سطح خرد، عوامل فردی مانند محرومیت نسبی و سرمایه انسانی مهاجرت مردان و زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همانطور که هوفمن بیان می‌کند در جوامع مردسالار، تعداد مهاجران زن کمتر است و در مقابل در کشورهایی که زنان استقلال بیشتری دارند، بیشتر دست به مهاجرت می‌زنند. بدین ترتیب، مهاجرت، فرایندی جنسیتی است؛ زیرا دلایل، مسیرها، الگوها و پیامدهای مهاجرت برای مردان و زنان متفاوت است. از اینرو، نه تنها بایستی فرایند

مهاجرت را از لنز جنسیتی مورد مطالعه قرار داد بلکه نظام داده ای و سیاست های مهاجرتی نیز بایستی مبتنی بر ماهیت جنسیتی جریانات مهاجرتی باشد (صادقی، ولدوند، ۱۳۹۴: ۷۶).

از لحاظ تاریخی تصور بر این بود که زنان در وحله اول برای ازدواج و یا الحاق به خانواده مهاجرت می کنند. دو برابر از زنانی که به ایالات متحده امریکا مهاجرت می کنند به دلیل پیوستن به همسرانشان می باشد. علت اصلی مهاجرت به استرالیا، کانادا، اروپا، نیوزلند، ایالات متحده، پیوستن و الحاق به خانواده است. با توجه به یک نظرسنجی در هند علت مهاجرت ۸۹ درصد از زنان روستایی و ۵۹ درصد زنان شهری ازدواج می باشد. مشابه همین بررسی در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ نشان می دهد که میزان مهاجرت برای ازدواج ۹۱ درصد برای زنان روستایی و ۶۱ درصد برای زنان شهری است. به طور مشابه در سال ۲۰۰۱ در نپال داده های سرشماری نشان داد که ۴۲ درصد از مهاجران داخلی برای ازدواج بوده است. ۶۱ درصد از زنان متولد شده در خارج برای ازدواج به نپال مهاجرت می کنند. مهاجرت های بین المللی برای ازدواج می تواند شامل "دستور و یا سفارش برای ارسال عروس" که به موجب آن مردان از کشورهای مرفه با زنان کشورهای در حال توسعه ازدواج می کنند. به گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) وزارت دادگستری ایالات متحده گزارش کرده که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ حدود ۸۰۰۰۰ زن روسی برای این نوع ازدواج به ایالات متحده مهاجرت کرده اند، البته بیشتر به غرب اروپا هم مهاجرت نموده اند. مردان کشاورز روستایی در ژاپن، تایوان و چین به دنبال عروس از فیلیپین، تایلند و ویتنام هستند. در سال ۲۰۰۰، تقریباً ۱۰ درصد از مردان تایوانی با زنان مهاجر خارجی ازدواج کردند. در جمهوری کره در سال ۲۰۰۵، ۱۴ درصد از ازدواج ها، ازدواج های بین المللی بود. مهاجرت برای ازدواج زمانی رخ می دهد که نسبت زنان به مردان کم است مانند مناطق روستایی شمال هند که در آن زنان از شرق هند و نپال برای ازدواج می آیند. طبق گزارشات سازمان بین المللی مهاجرت سیاست تک فرزندی در چین منجر به عدم تعادل چشمگیر شده و آن ها را به سمت ازدواج با همسران خارجی از ویتنام سوق داده است (Fleury, Anjali, 2016: P.3).

امروزه برخلاف دوران اولیه زندگی بشر، مهاجرتها تنها با انگیزه های زیستی و بیولوژیک انجام نمی شوند، بلکه در دنیای معاصر مهاجرت پدیده ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (موحد، مجید، نیازی، صغری، ۱۳۸۷: ۳۰). زنان مهاجر، مهاجرت را یک پروسه به سوی رهایی و توانمندسازی می دانند. زنانه شدن مهاجرت به تغییرات اجتماعی،

اقتصادی در کشورهای مبداء و بازار کار کشور مقصد مرتبط می‌باشد (Kholmatova, Nodria, 2016, P.3). مهاجرت به عنوان یک استراتژی برای بهره‌وری از فرصت‌های اقتصادی در خارج از کشور به منظور به حداکثر رساندن درآمد خانوار و برای محافظت از آن در برابر شوک‌های اقتصادی دیده می‌شود. با زنانه شدن مهاجرت، زنان به طور فزاینده‌ای بدون شوهران خود مهاجرت بین‌المللی می‌کنند (Caarls, Kim, Mazzucato, Valentina, 2016: P.590). مهاجرت برای زنان با اهداف متفاوت از جمله ایجاد فرصت‌های شغلی، دستیابی به توانمندی و مقابله با تبعیض صورت می‌گیرد. ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی کشور مهاجرت‌زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی تجربیات مهاجران زنان ماهر و غیر ماهر و چگونگی زنانه شدن نیروی کار و سیاست‌های مهاجرت باید بازتابی از نیازهای مختلف و خطرات ناشی از مهاجرت برای زنان و دختران باشد.

برخی زنان و دختران جوان به منظور فرار از کنترل خانواده‌ها یا اجبار برای ازدواج زودهنگام یا ختنه‌زنان اقدام به مهاجرت می‌کنند. هنجارهای جنسیتی ممکن است زنان و دختران را به مهاجرت سوق دهد. زنان به احتمال زیاد به کشورهایی مهاجرت می‌کنند که نسبت به کشورشان نهادهای اجتماعی تبعیض‌آمیز کمتری داشته باشد و دارای فرصت‌های اقتصادی بیشتری برای آنان باشد. هنجارهای جنسیتی و تقسیم کار در بازار کار یک عامل کلیدی در اشتغال است. مردان در اغلب جوامع به عنوان رهبر، تصمیم‌گیرندگان و نان‌آور و نیروی مولد می‌باشند در حالی که زنان به نقش طبیعی خانه‌داری و تولید مثل و مراقبت از فرزندان تنزل پیدا می‌کنند (Oneil Tam, Fleury, Anjali & Foresti, Marta, 2016: PP.4,5). در برخی از کشورها زنان مجرد به احتمال بیشتری مهاجرت می‌کنند، اما در برخی دیگر از کشورها اولویت را به مهاجرت زنان متأهل می‌دهند. در بررسی انجام شده در سریلانکا، یافته‌ها نشان می‌دهد که جامعه نگران این است که زنان مجرد وقتی مهاجرت کنند از نظر اخلاقی فاسد و با مشکلاتی در ازدواج روبه‌رو خواهند شد. در غنا و نیجریه نیز نتایج مشابه این تحقیق به دست آمده که در آن از آثار غیراخلاقی و فحش‌های مهاجرت‌زنان مجرد نگرانند. مطالعات سازمان بین‌المللی مهاجرت در مولداوی و گواتمالا نشان می‌دهد تنها مادران و زنان بیوه یا زنان مطلقه که تبعیض را تجربه کرده‌اند ممکن است به دلیل فرار از ننگ اجتماعی مهاجرت کنند. در کشورهایی مانند فیلیپین و سریلانکا مهاجرت ممکن است از طلاق قابل قبول تر باشد. زنان تحت خشونت‌های مبتنی بر جنسیت، خشونت خانگی، ازدواج ناموفق، یا عدم فرصت‌های شغلی مناسب ممکن است بیشتر تمایل به مهاجرت

داشته باشد. برخی از زنان فیلیپینی مهاجرت را به عنوان یک راه برای به دست آوردن آزادی از کنترل خانوادگی و استقلال، از جمله در مورد مسائلی مانند ازدواج در نظر می‌گیرند. برای مثال لام و هوانگ در سال ۲۰۱۰ براساس مطالعه‌ای نشان می‌دهند که برخی از زنان جنوب شرقی آسیا به طور خاص برای فرار از ازدواج اجباری مهاجرت می‌کنند. ۲۳ درصد از دختران نوجوان مهاجر اتیوپی برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام مهاجرت می‌کنند. فرنٹ و دیگر همکارانش نیز در یافته‌های تحقیقاتشان نشان می‌دهند که دیگر اشکال تبعیض مبتنی بر جنسیت باعث مهاجرت می‌شوند از جمله آن‌ها ازدواج زودهنگام، ختنه زنان، تابوهای اجتماعی جنسیتی یا پتانسیل برای خشونت مبتنی بر جنسیت می‌باشد. فرنٹ و همکارانش در سال ۲۰۱۴ با استفاده از نهادهای اجتماعی و شاخص جنسیت به بررسی مؤسسات و نهادهای تبعیض آمیز اجتماعی پرداخته و دریافتند که وقتی نهادهای اجتماعی تبعیض آمیز وجود دارد، زنان به کشورهایی با نهادهای اجتماعی کمتر تبعیض آمیز مهاجرت می‌کنند. تجزیه تحلیل بر اساس شاخص جنسیت نشان می‌دهد که کشورها با سطوح پایین تبعیض کثش بیشتری برای زنان مهاجر دارند. این کثش بیشتر ممکن است به دلیل افزایش دسترسی به بازار کار و برابری جنسیتی در محل کار و عامل تمایل زنان به مهاجرت باشد. بنابراین آن چیزی که مشخص است نهادهای اجتماعی تبعیض آمیز نقش مهمی در فشار تمایل مهاجرت زنان بازی می‌کند (Fleury, Anjali, 2016: PP.7,8). درگیری‌ها و بحران می‌تواند باعث تشدید خشونت جنسی شود که به عنوان تاکتیک جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد شکست دولت برای حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت جنسی می‌تواند به مهاجرت دامن زده و خطر قاچاق انسان را افزایش می‌دهد (Oneil Tam, Fleury, Anjali & Foresti, Marta, 2016: PP.4,5). در سال ۲۰۱۵ حدود ۸۸۰۰۰۰ نفر به اروپا رفتند که از دلایل آن چندین بحران و درگیری در خاورمیانه بود. کمیساریای عالی پناهندگان تخمین می‌زند بیش از یک میلیون نفر مجبور به مهاجرت از مناطق خطرناک شده اند (Zeljko, Goran, cognajanovi:2016). قاچاق انسان نتیجه ضرورت‌های اقتصادی، امنیتی و انگیزه‌های سیاسی برای مهاجرت می‌باشد و قاچاق را به عنوان معضلی ناشی از فشارهای اجتماعی، اقتصادی و امنیتی معرفی می‌کند که افراد مجبور می‌شوند مهاجرت خطرناک برای دستیابی به آمل و آرزوهای خود در ورای مرزهای سرزمینی کشور خود را تجربه کنند (افروغ، عبدالمحمد، زارعی، مصطفی، ۱۳۹۴: ۸۹).

۲.۳ پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی

درک پیچدگی‌های جنسیت و مهاجرت می‌تواند در برنامه‌ها و سیاست‌هایی که موجب افزایش مزایا و کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی برای زنان مهاجر که نیمی از جمعیت مهاجر جهانی را تشکیل می‌دهند، کاربرد داشته باشد. برای چنین درکی، تحلیلگران و کارشناسان نیاز به اطلاعات قابل اعتماد و دقیق برای تجزیه و تحلیل جنسیت در مهاجرت دارند. زنان مهاجر اغلب با موانعی مواجه می‌شوند که دسترسی آنها را به خدمات محدود می‌کند؛ موانعی مانند نیاز به اطلاعات، خدمات متناسب با وضعیت فرهنگی، و سرپناه‌ها. آنها ممکن است با انزوای اجتماعی مواجه شده و به نحوی از انحاء به فردی که از آنها سوءاستفاده می‌کند وابسته باشند. ممکن است از حقوق خود آگاه نبوده و از مساعدت و حمایتی که در کشور مقصد ارایه می‌شود مطلع نباشند. بنابراین آنها اغلب ناتوان از جستجوی حمایت رسمی بیرونی بوده یا از آن اکراه دارند. گاه ممکن است این وضعیت با ترس یا بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان قضایی کشور خود یا ترس از زندان و استرداد بدتر شود. بنابراین ضروری است که با زنان مهاجر قربانی خشونت همانند قربانیان خشونت رفتار شود و خدمات و حمایت‌های ویژه در دسترس آنها قرار گیرد (کتاب راهنمای سازمان ملل ۲۰۱۰). در مطالعه‌ای از طریق مصاحبه با زنان مهاجر در ایرلند نشان داده شده زنان کارگر مهاجر در بازار کار به دلایل قومی و نژادی نابرابری را تجربه کرده و غالباً در سطح کارگران کمتر ماهر با دستمزد پایین به کار گرفته می‌شوند. اگر چه زنان مهاجر ممکن است درآمد بیشتری نسبت به کشور خود داشته باشند اما در بخش‌هایی از بازار کار هستند که اتحادیه نداشتند و تبعیض، استثمار، دستمزد پایین، انزوای اجتماعی و استرس را تجربه می‌کنند. همچنین مشکلات فرهنگی و زبانی به‌طور جدی مانع از تبادل اطلاعات می‌باشد (Pillinger, Jane, 2016: P.2).

زنان مهاجر باردار با چالش‌های دیگری روبرو هستند. به عنوان مثال بالای ۱۴۰۰۰۰ کارگر مهاجر زن نپالی در خاورمیانه وجود دارد که توسط هومز مطالعه شده‌اند و نشان داده شده که این زنان باردار معمولاً به خانه فرستاده شدند و با توجه به قانون شهروندی نپال، کودکانی که از مادران نپالی به دنیا می‌آیند که پدران خارجی دارند نمی‌توانند ملیت نپالی دریافت کنند. علاوه بر این پس از بازگشت مادران در معرض آنگ و تهمت و بدنامی قرار گرفته و دسترسی کمتری به خدمات دارند. کودکان متولد شده از مادران مهاجر با وضعیت غیرقانونی ممکن است نتوانند در کشورهای مقصد ثبت شوند (Global Forum on

(Migration and Development: 2016). البته برخی معتقدند مهاجرت می تواند استقلال، سرمایه انسانی، عزت نفس و توانمندی زن را در خانواده و جامعه بهبود بخشیده و هنجارهای سنتی را تغییر داده و آن ها را با هنجارهای اجتماعی عادلانه تر آشنا ساخته و حقوق زنان، دسترسی به منابع و فرصت های اقتصادی، شغلی و تحصیلی آن ها را بهبود بخشد. هنگامی که زنان مهاجر به خانه و یا وطن خود باز می گردند، اغلب آن ها استقلال پیدا کرده، مهارت و تخصص کسب نموده اند. حتی زمانی که زنان خودشان مهاجر نیستند، باز مهاجرت می تواند اثرات مثبت برای آن ها داشته باشد. مهاجرت می تواند عامل نفوذ و تغییر هنجارهای جنسیتی در خانواده و ایجاد برابری جنسیتی باشد. هنگامی که زنان به عنوان همسران مردان مهاجر باقی می مانند اغلب آن ها کنترل امور و اختیارات خانواده خود را در دست می گیرند و به عنوان تصمیم گیرنده در امور مالی و انتخاب های خانواده عمل می کنند. اگر چه مهاجرت می تواند سودمند باشد و برای رفع بسیاری از محدودیت ها مثل هنجارهای اجتماعی و قوانین محدود، جنسیت و یا تبعیض نژادی، آسیب پذیری های جنسیتی خاص، فرصت ها و منابع محدود مفید واقع شود اما در عین حال چالش ها و آسیب هایی را نیز به همراه دارد (Fleury, Anjali : 2016).

بنابراین مهاجرت ممکن است آسیب پذیری را تشدید نماید از جمله از طریق سوءاستفاده و قاچاق، به خصوص هنگامی که مهاجران کمتر ماهر یا غیر ماهر و یا غیرقانونی هستند. مهاجران ممکن است در تلاش برای به رسمیت شناخته شدن اعتبار تخصص حرفه ای خود در خارج از کشور و برخی موانع فرهنگی، زبانی و نژادی و یا تبعیض مواجه شوند. موانع محدودیت های برای مهاجرت زنان بیشتر از مردان است (Fleury, Anjali : 2016). مهاجرت زنان پیش بینی و دورنمای غیرقابل انکار چالش هایی برای زنان و دختران است. اغلب مهاجرت باعث تشدید و سخت تر شدن شرایط و موقعیت زندگی و شرایط کار در کشور مقصد می شود. به عنوان مثال زنان بیشتر در معرض خطر سوءاستفاده (جسمی، جنسی، کلامی) و بهره برداری جنسی قرار می گیرند. در بسیاری از کشورها اعمال قانونی هنجارهای حقوق بشری در خصوص بیگانگان بویژه مهاجرین خارج از ضابطه یعنی کسانی که بدون اجازه قانونی وارد شده یا در کشور باقی مانده اند ناکافی یا بسیار محدود است.

خصومت و خشونت علیه مهاجرین و سوءاستفاده از آنها در دهه اخیر بیش تر مورد توجه جهانیان قرار گرفته است اما فقدان اسناد و کمبود منابع تحقیقی در این زمینه مانع از

روشن شدن پاسخ این پرسش می‌شود که این رشد تا چه حد در نتیجه افزایش میزان این بد رفتاری‌ها و تا چه حد تشکیل دهنده بخشی از پاسخ جامعه جهانی به افشای حقایق و گزارش دهی در این زمینه است. تحقیق، مستند سازی و تجزیه و تحلیل در زمینه نوع و میزان مشکلات حقوق بشری مهاجرین و راه‌های مؤثر برای آنها بسیار اندک است. در رسانه‌ها، توسط سیاستمداران و در مباحث میان عامه مردم، مهاجرین به موضوعاتی نظیر قاچاق، اعتیاد، دزدی، ایدز و سایر مشکلات اجتماعی نسبت داده می‌شوند. مهاجرین خارج از ضابطه نیز به دلیل توصیفشان به عنوان مهاجرین غیر قانونی، مجرم شناخته می‌شوند و بدین ترتیب خارج از حوزه حمایتی قوانین قراردادده می‌شوند. (پورعزیزی مردخه، ۷۸: ۱۳۹۰). امروزه نقض حقوق بشر مهاجرین آنچنان گسترده و فراگیر شده است که حقوق بشر مهاجرین را به یکی از عناصر تعریف مهاجرت بین‌المللی تبدیل کرده است. بنابراین لازم است اسناد بین‌المللی در حقوق بین‌الملل در رابطه با حقوق بشر مهاجرین مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۴. نقد و بررسی استراتژی‌های حمایت از زنان مهاجر در چارچوب حقوق بشر بین‌المللی

مهاجران و پناهندگان از آسیب پذیرترین گروه‌های اجتماعی هستند. در موارد ذیل برخی از معاهدات بین‌المللی و توافقات حول حقوق پناهندگان و مهاجران و در مورد چگونگی مسائل مربوط به سن و جنس مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱.۴ کنوانسیون حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها (Birchall, Jenny, 2016:P.33)

حدود ۹۰ درصد مهاجران را کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌ی آنها تشکیل می‌دهد و بقیه نیز از دانشجویان و جهانگردان و غیره هستند به طور تقریبی نیمی از جمعیت کارگران مهاجر را زنان دربرمی‌گیرند که با همسران خود و یا به تنهایی و به قصد یافتن کارهای خانگی اقدام به مهاجرت می‌کنند (فریدونی، احمد، ۱۳۹۳: ۲). کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان مصوب قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۵/۱۵۸ مجمع عمومی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰ می‌باشد. طبق ماده‌ی ۲۸، کارگران مهاجر و

اعضای خانواده آنها حق بر دریافت مراقبت پزشکی که برای حفظ حیات یا جلوگیری از آسیب غیر قابل جبران به سلامتشان ضروری است را به گونه‌ای برابر با اتباع دولت مربوطه دارند. مواد ۴۳ و ۴۵ به ترتیب دسترسی کارگران مهاجر و اعضای خانواده ایشان را به خدمات اجتماعی و بهداشتی برابر با اتباع دولت مقرر می‌دارد (عباسی، محمود، دهقانی، غزاله، رضایی، راحله، ۱۳۹۴: ۱۶۱). این کنوانسیون اصول حقوق بشر را به طور مستقیم در رابطه با کارگران و خانواده آنها صرف نظر از وضعیت قانونی آن‌ها به کار می‌بندد و برای تمامی کارگران مهاجر و خانواده آن‌ها برابری حقوقی را به عنوان اصل اساسی قلمداد می‌کند. حق داشتن برابری حقوقی از اصول اساسی حق این افراد است. این کنوانسیون شامل حمایت از هر دو نوع مهاجران قانونی و غیر قانونی می‌باشد و بر موارد ذیل تأکید دارد:

- حق دستمزد برابر و شرایط کار برابر
- حق مراقبت‌های بهداشتی اضطراری و آموزش برای کودکان
- حق هویت فرهنگی
- حفاظت از ارباب و خشونت
- حمایت دیپلماتیک

علاوه بر این، کنوانسیون مجموعه‌ای از حمایت‌های مازاد و اضافی را برای مهاجران قانونی در نظر می‌گیرد:

- برابری حقوق کار مانند مزایای بیکاری و تأمین اجتماعی
- خدمات دسترسی به مراقبت بهداشتی، اجتماعی و آموزش
- شناخت حق الحاق به خانواده

این کنوانسیون اولین کنوانسیون است که به وضوح همه حق‌ها را به هر دو جنس هم زنان و هم مردان اختصاص می‌دهد. با این حال نیازهای خاص زنان مهاجر را عنوان نمی‌کند. این کنوانسیون تا سال ۲۰۰۳ اجرایی نشد. تا به امروز تنها توسط ۴۸ کشور به تصویب رسیده است. این چالشی آشکار از لحاظ اجرایی شدن آن است. به دلیل این که کنوانسیون حقوق مهاجران غیرقانونی را به رسمیت شناخته و تأکید بر برابری شرایط کار با مهاجران قانونی دارد، مورد مخالفت برخی کشورها قرار گرفته است.

۲.۴ کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار

این کنوانسیون همراه با اعلامیه اصول اساسی حقوق کار، مجموعه‌ای از حقوق مهاجران حول دستمزد و حق الزحمه، عضویت در اتحادیه‌ها، امنیت اجتماعی و رفتار برابر با کارگران مهاجر و کارگران داخلی و ملی است. همچنین خواستار اعمال سیاست‌های جنسیتی، داده‌ها و اطلاعات به تفکیک جنسیتی، فرصت‌هایی برای کار مناسب برای زنان و اقدامات برای رسیدگی به قاچاق می‌باشد. در سال ۲۰۱۳ سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون کارگران خانگی را به اجرا درآورد. این کنوانسیون آداب کار برای کارگران خانگی را ترویج می‌دهد اما تصدیق می‌کند که کار خانگی عمدتاً به وسیله زنان و دختران که بسیاری از آن‌ها مهاجر هستند انجام می‌گیرد. (Birchall, Jenny, 2016:PP.33,34). سازمان بین‌المللی کار با تدوین کنوانسیون‌های لازم و سامان‌دهی امور حقوقی کارگران مهاجر چارچوب‌های سودمندی را فراهم کرده است (سجادپور، کاظم، ۱۳۸۴: ۲۲). علیرغم وجود استانداردهای جامع میثاق برای حق سلامت و کنوانسیون‌ها باز کارگران مهاجر با طیف گسترده‌ای از چالش‌های بالقوه بهداشتی در چرخه مهاجرت روبرو می‌باشند (United Nations Development: 2015).

۳.۴ کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷

کنوانسیون پناهندگان پناهنده را تعریف می‌کند این که چه کسی پناهنده است، چه حقوقی دارد و این که کشورها چه وظایف و تعهدات قانونی نسبت به آن‌ها را دارند. زمانی که این کنوانسیون نوشته می‌شد هیچ تفاوتی بین پناهندگان زن و مرد بیان نشده است. ماحصل کمیته اجرای کمیساریای عالی پناهندگان چندین توصیه و اسناد راهنما راجع به تجارب مختلف زنان از آزار و اذیت و دستورالعمل‌هایی در رابطه با پناهندگی کودکان منتشر داده است. این کنوانسیون آوارگان داخلی را پوشش نمی‌دهد.

۴.۴ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان (CHDAW)

این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۱ اجرایی شد، تمرکز بر برابری بین زنان و مردان در تمام زمینه‌های زندگی دارد. در سال ۲۰۱۴، کمیته توصیه‌های عمومی شماره ۳۲ راجع به ابعاد مربوط به جنسیت، وضعیت و ملیت پناهندگان ارائه داد که هدفش راهنمایی دولت‌ها برای

رفع تبعیض علیه زنان، احترام، حفاظت از حقوق پناهیجویان زن و برابری اساسی و ذاتی برای زنان می‌باشد (Birchall, Jenny, 2016: P. 34). کمیته منع تبعیض در نظریه تفسیری شماره ۲۶ خود موضوع کارگران زن مهاجر و حقوق و معضلات آنها را مورد توجه قرار داده است (General Comment No.26 on Women Migrant Worke CEDAW/c/2009/wp.1/R,2 December:2008). این نظریه تفسیری در سال ۲۰۰۸ صادر گردیده و به نوعی بر وضعیت نابسامان و نامطلوب این زنان در برخی کشورها دلالت می‌کند. نکته قابل تأمل آن است که برخی از جوامع اروپایی و دیگر کشورهای توسعه یافته با معضلات مربوط به وضعیت زنان کارگر مهاجر و نقض حقوق این گروه از زنان درگیرند. این کمیته تأکید می‌کند: «کارگران مهاجر، همانند همه زنان نباید در هیچ زمینه‌ای در زندگی‌شان مورد تبعیض واقع شوند.» مطابق ماده ۲۴ کنوانسیون، کمیته مبادرت به ارائه توصیه‌هایی در مورد برخی از گروه‌های زن کارگر مهاجر که در معرض تبعیض یا اذیت و آزار قرار دارند، می‌کند. این نظریه تفسیری بر تعهدات دولت‌های عضو به اقدام، حمایت و اجرای حقوق بشر زنان کارگر مهاجر که در دیگر معاهدات نیز احصاء شده است، تأکید می‌کند. کمیته تصریح می‌کند، علی‌رغم اینکه دولت‌ها حق دارند مبادرت به اعمال کنترل بر مرزهایشان نمایند و مهاجرت را قانونمند کنند، اما آنها باید تمام تعهدات خود بر طبق معاهدات حقوق بشری را که تصویب نموده یا به آن ملحق شده‌اند را ایفا نمایند. از جمله آنها ارتقای امنیت و ایمنی در پروسه مهاجرت و تعهد به احترام، حمایت و ایفای حقوق بشر زنان در پروسه مهاجرت است. زنان مهاجر در قبال تبعیض و آزار و اذیت در کشوری که به آن مهاجرت نموده‌اند، آسیب پذیرند. کمیته گروه‌های مختلف، زنان مهاجر را به رسمیت می‌شناسد؛ اگرچه تصریح می‌کند که برخی از گروه‌های مزبور می‌تواند با یکدیگر همپوشانی داشته باشد.

برخی از این گروه‌ها، عبارتند از: زنان کارگر مهاجر که به طور مستقل مهاجرت می‌کنند؛ زنان کارگر مهاجر که به همسر یا دیگر اعضای خانواده خود که کارگر هستند، ملحق شوند؛ زنان کارگر که فاقد مدارک قانونی لازم هستند (General Comment No.26 on Women Migrant Worke CEDAW/c/2009/wp.1/R, December:2008 Paras.6-8). از جمله مهم‌ترین حقوق بشر زنان کارگر مهاجر، بنا بر تصریح کمیته عبارتند از: حق حیات، حق آزادی شخصی و امنیت، حق منع شکنجه، حق منع رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده، حق آزادی از تبعیض بر مبنای جنس، نژاد، قومیت، فرهنگی، ملیت، زبان و دیگر وضعیت‌ها،

۱۰۴ علل و پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی در پرتو امنیت انسانی با تأکید بر حقوق ...

حق برخورداری از استانداردهای کافی زندگی و حق برابری نزد قانون. همچنین زنان کارگر مهاجر مستحق برخورداری از حمایت در قبال تبعیض بر مبنای کنوانسیون اند و دولت‌های عضو باید کلیه اقدامات مقتضی را بدون هیچ گونه تأخیری برای امحای کلیه اشکال تبعیض علیه به عمل آورند (General Comment No.26 on Women Migrant Worker (CEDAW/c/2009/wp.1/R, December:2008 Paras.10-12).

حقوق مندرج در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر حمایت از دختران مهاجر را پوشش داده است. دختران علاوه بر آن، حقوقی را با توجه به سن خود تحت عنوان کنوانسیون حقوق کودک (CRC) و براساس جنسیت خود تحت عنوان کنوانسیون پایان دادن به کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دارند. این معاهدات به ترتیب به تصویب ۱۹۶ و ۱۸۹ کشور رسیده است. برخی از حقوق مربوط در کنوانسیون حقوق کودک عبارتند از: الحاق به خانواده، مبارزه با انتقال غیر قانونی و قاچاق و عدم بازگشت کودکان، جلوگیری از فروش و قاچاق آن‌ها و حمایت آن‌ها در برابر استثمار اقتصادی و کارهای خطرناک با عنوان بهره‌برداری جنسی و سوءاستفاده. کنوانسیون علیه رفع تبعیض علیه زنان اشاره به حق برابر آموزش، اشتغال، سلامت دارد. این معاهدات استانداردهایی برای هر دو جنسیت و کودک در قوانین و سیاست‌های مهاجرت فراهم می‌کند. اما در عمل منافع دختران مهاجر به ندرت در قوانین و سیاست‌های مهاجرت پوشش داده می‌شود (Achild Rights Perspective:2016, Global Forum on Migration & Development, www.terredeshommes.org.P.4).

۵.۶ قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد

در سال ۲۰۰۰ توسط شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید. این قطعنامه بر روش‌های مختلف حفظ صلح و امنیت بین‌الملل، تجربیات زنان در درگیریهای مسلحانه، پیشگیری از جنگ تأکید داشته و از دولت‌ها می‌خواهد در طول جنگ قوانین حقوق بشر بین‌المللی را برای حمایت از زنان و دختران کاملاً رعایت کنند. (Birchall, Jenny, 2016:P. 34).

۶.۴ دستور کار برای توسعه پایدار ۲۰۳۰

رؤسای دولت‌ها و نمایندگان بلند پایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گردهم آمدند و در مجمع عمومی ملل متحد، دستور کار توسعه پایدار

۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستور کار جایگزین اهداف توسعه هزاره شد که شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند. این سند در هدف اصلی ۵ اشاره دارد به این که: اقشار آسیب پذیر باید توانمند شوند. افرادی که نیازهای آنان در دستور کار شرح داده شده است، عبارتند از همه کودکان، جوانان، معلولان، مبتلایان به ایدز، سالمندان، پناهندگان، بی خانمانان یا مهاجران.

دستور کار برای توسعه پایدار ۲۰۳۰ از کشورهای عضو می‌خواهد برای دستیابی به اطمینان بیشتری از مهاجرت‌های منظم و ضابطه‌مند و امن با احترام کامل به حقوق بشر، بهداشت و سلامت مهاجران، پناهندگان و آوارگان داخلی همکاری کنند (Transforming our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development. A/RES/70/1:2015 www.un.org.P.7). ۷ مورد از اهداف جهانی جدید برای توسعه پایدار اشاره خاص به مهاجرت دارند و در عین حال چندین مورد دیگر نیز به طور غیر مستقیم مربوط به این امور می‌باشند. دستور کار ۲۰۳۰ یک فرصت کلیدی برای نگاه دوباره به مهاجرت، شناخت تجربه‌های خاص، نیازها و نقاط قوت گروه‌های خاص از مهاجران و پناهندگان و سیاست‌گذاری در این زمینه ارائه داده و برخی از توصیه‌ها را برای کمک به توسعه و اجرای سیاست‌های مهاجرتی در رابطه با جنس و سن نتیجه می‌گیرد (Birchall, Jenny, 2016: P.4). در دستور کار آدیس آبابا در سال ۲۰۱۵، به عنوان بخشی از توافق دستور کار ۲۰۳۰، از کشورهای عضو خواسته شده که با احترام کامل به حقوق بشر، مبارزه با بیگانه ستیزی در تسهیل ادغام مهاجر، تسهیل مهاجرت قانونی و امن تلاش نمایند (Brichall, Jenny, 2016: P.55). دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ فرصت‌هایی را برای رهیافت‌ها و رویکردهای مهم جنس و سن در سیاست‌های مهاجرتی و در عمل به ارمغان می‌آورد.

۵. سیاست‌های مهاجرتی، حقوق بشر و جنسیت

سیاست‌های مهاجرت نقش کلیدی در تعیین پیامدها و شرایط و جریان مهاجرت بین‌المللی دارند. توصیه‌ها در رابطه با سیاست‌های مهاجرت می‌تواند به صورت طبقه بندی شده در راستای سیاست‌های ملی، منطقه‌ای، سازمان‌های کمک به توسعه و بشردوستانه، استراتژی‌های کشورهای مبدا و مقصد باشد. در سالهای اخیر کشورهای مبدا، مقصد و سازمان‌های بین‌المللی و غیر دولتی توجه فراوانی به حقوق بشر مهاجرین معطوف داشته‌اند.

۱.۵ سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی و منطقه‌ای

دولت‌ها معمولاً انفرادی سیاست‌های خود را در رابطه با مهاجرت‌های داخلی (درون کوچی) و مهاجرت به کشور دیگر یا بیگانه (برون کوچی) طراحی می‌کنند. تمرکز اصلی این سیاست‌ها در رابطه با مدیریت مهاجرت به سمت داخل و درون کشور است. اما هر کشوری ممکن است مهاجرت به بیرون از کشور خود را نیز محدود کنند. سیاست‌های دولت معمولاً در روش‌های مختلف بر روی انواع مهاجران تمرکز دارد، به عنوان مثال مهاجران بسیار ماهر، مهاجران غیرقانونی، پناهندگان، پناه‌جویان (Birchall, Jenny, 2016: PP.35,36). مهاجران زن مستقل ممکن است با موانع و محدودیت‌هایی در مهاجرت قانونی روبرو باشند، که شامل ممنوعیت عمومی در مهاجرت زنان برای کار (به استثنای حرفه‌ای)، ممنوعیت برای بخش‌های خاصی (به عنوان مثال کارگران خانگی) و یا محدودیت سنی مواجه می‌باشند. به طوری که پسران بیشتر از سن ۱۴ یا ۱۵ سال می‌توانند برای کار مهاجرت قانونی داشته باشند، در حالی که مهاجرت زنان اغلب توسط یک مشخصه سنی بالاتر محدود شده است گاهی اوقات سن بالای ۳۵ سال شناخته شده است، به طوری که دختران و زنان کمتر از حداقل سن تنها فقط می‌توانند مهاجرت غیرقانونی کنند. این سیاست مهاجرت منجر به محدود کردن کانال‌های مهاجرت به طور قانونی شده و حقوق آن‌ها را با منتسب کردن آن‌ها به بخش‌های آسیب‌پذیر کار و قرار دادن آن‌ها در معرض خطر استثمار و سوءاستفاده (خشونت و تجاوز) کاهش می‌دهد. دولت‌ها توصیه‌هایی را که توسط متن معاهدات و مکانیسم‌های حقوق بشر در خصوص اجرا و عمل به حقوق دختران مهاجر دریافت کرده‌اند (فتحی، الهام، ۱۳۹۵: ۲۷)

ایجاد فرصت‌های اقتصادی از جمله شرایط کار خوب و عدم استثمار کارگران، محیط زیست سالم، مسئولیت پاسخ به تهدیدات امنیت انسانی مخصوصاً نقض حقوق بشر، تبعیض، خشونت می‌تواند کارساز باشد (Vietti, Francesca, 2013:P.24). برای مثال در اسپانیا، قوانین مهاجرتی بیشتر در مورد خشونت‌های مبتنی بر جنسیت در رابطه با زنان بدون در نظر گرفتن وضعیت اقامت و تدابیر مجموعه‌ای از حفاظت خاص از زنان، بازماندگان فاقد مدارک قانونی می‌باشد. در فرانسه، به زنان فاقد مدارک قانونی که از همسر خود به خاطر خشونت جدا شده‌اند اجازه اقامت داده می‌شود. (Birchall, Jenny, 2016: P.40).

کشورها و جوامع بین‌المللی باید در موارد ذیل تلاش نمایند:

ریشه کن کردن کار اجباری و پایان دادن به برده‌داری مدرن، پایان دادن به استثمار و قاچاق زنان و همه اشکال خشونت علیه زنان، حمایت های اجتماعی و روانی از زنان مهاجر، نظارت، تنظیم و بهبود استانداردها، سیاست ها و چارچوب های قانونی برای کار زنان واز بین بردن سوءاستفاده و اشتغال غیرقانونی، بهبود دسترسی به مؤسسات مالی از جمله کاهش هزینه های معامله مهاجر و وجوه ارسالی آنها و کاهش شیوه های تبعیض آمیز در کار زنان و دستمزدها، تلاش های سازمان همکاری و توسعه و سازمان بین المللی کار با همکاری دولت ها در این زمینه می تواند راهگشا باشد. آموزش جنسیتی برای سازمان های در ارتباط با مهاجران، گنجاندن سیاست های جنسیتی و توانمندسازی زنان در توسعه سیاست های مهاجرت، ارائه پشتیبانی مراکز منابع مالی و محلی برای ارائه مشاوره اعم از حقوقی، بهداشتی، خدماتی و اطلاعاتی برای زنان و دختران مهاجر بدون در نظر گرفتن وضعیت قانونی شان. کمک به دسترسی خدمات بهداشتی اولیه از قبیل افزایش آموزش و حمایت های روانی و اجتماعی از مهاجران زن. (Oneil, Tam, Fleury, Anjali & Foresti, Marta: 2016). مسئله قاچاق مهاجر مثال دیگری از پیچیدگی هایی است که دولتها در تدوین سیاستهای مهاجرتی خود با آنها روبرو هستند. این پدیده دولتها را وادار به همکاری روزافزون ساخته و موجب ترکیب اعمال فشار و حمایت از مهاجرین شده است. بنابراین توصیه هایی در زمینه سیاست های مهاجرتی برای کشورهای مبدا و مقصد می توان ارائه نمود (پورعزیزی مردخه، ۳: ۱۳۹۰).

۱.۱.۵ استراتژی کشورهای مبدا

سرمایه گذاری در آموزش، اشتغال، فرصت تولید و درآمد به منظور تشویق توسعه و ارائه جایگزین برای مهاجرت؛ توسعه برنامه های هدفمند در توانمندسازی زنان و دختران، توسعه و ادغام برنامه های بازگشت مهاجران، به طوری که زنان و دختران می توانند مزایا و منافع اقتصادی و اجتماعی متعلق به خارج از کشور خود را به کشور مبدا انتقال دهند. همچنین فرصت دسترسی به اشتغال و کمک های مالی و ادغام مجدد با موفقیت در جامعه پس از بازگشت، مقابله با هنجارهای اجتماعی تبعیض آمیز، لغو موانع حقوقی برای مهاجرت مثل ممنوعیت براساس سن، وضعیت تأهل یا بارداری و زایمان، تقویت سیستم های حمایت مالی برای به اعضای خانواده ای که پشت سر مانده اند مثل بهبود دسترسی به بانکداری اعتباری، توسعه و تشویق کسب اطلاعات قبل از عزیمت و آموزش برای مهاجرات نیروی

کار با تمرکز خاص بر زنان و دختران، ترویج استفاده از قرارداد کار قبل از خروج و توسعه برنامه‌های بازگشت مهاجران.

۲.۱.۵ استراتژی کشورهای مقصد

توسعه مکانیسم‌هایی برای شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر هنگام ورود، رویکرد حمایتی و توانمندسازی قربانیان مهاجرت‌های غیرقانونی، توسعه سیاست‌های الحاق به خانواده از جمله کودکان بی سرپرست باید در استراتژی کشورهای مقصد به کار گرفته شود. همچنین باید اطمینان حاصل شود که مهاجران زن و پناهندگان به تمام خدمات مورد نیاز مانند بهداشت (از جمله بهداشت باروری)، تغذیه، آموزش و پرورش، کمک‌های حقوقی، دسترسی به عدالت، دسترسی برابر به بازار کار مناسب، حق اشتغال رسمی آزادی معاشرت و حقوق اجتماعی، دسترسی برابر به آموزش، بدون در نظر گرفتن وضعیت اقامت آن‌ها دسترسی داشته باشند. همچنین برای ترویج تصاویر مثبت از مهاجرت از طریق طراحی کمپین‌هایی برای آگاهی عمومی در مهاجران در رابطه با چالش‌های بیگانه‌ستیزی و رویکرد مشارکتی و همکاری بین‌المللی در تمام زمینه‌های مهاجرت در سیاست‌های کشورهای مقصد باید گنجانده شود (Birchall, Jenny, 2016: PP.59,58). برخی از سیاست‌ها یک رویکرد چندفرهنگی دارند که مهاجران را به حفظ هویت فرهنگی خود تشویق می‌کند، در حالی که دیگر سیاست‌ها یک رویکرد جذب و همگونی در فرهنگ اکثریتی دارند. سیاست‌های ادغام می‌تواند مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی به مهاجران بدهد و یا آن‌ها را به داشتن مجموعه‌ای از حقوق مجاز نماید. اغلب کشورها در رابطه با اعطای تابعیت و شهروندی مقرراتی را تنظیم کرده‌اند که تحت آن شرایط مهاجران می‌توانند از تابعیت و شهروندی برخوردار شوند. برخی از کشورها برنامه کمک به بازگشت، برای تشویق مهاجران به کشورهای خود را توسعه و گسترش داده و در برخی از موارد برای ایجاد انگیزه از مشوق‌هایی مثل پاداش نقدی، پول استفاده می‌شود. چنین طرحی ممکن است توسط دولت میزبان یا دولت فرستنده به طور مشترک انجام گیرد مثل برنامه اقدام اتحادیه اروپا در رابطه با بازگشت مهاجران در ۲۰۱۵ با انگیزه و هدف افزایش توانایی کشورهای عضو در بازگشت مهاجران غیرقانونی (Birchall, Jenny, 2016: PP.35,36).

۳.۱.۵ ارتقاء همکاری جنوب - جنوب و جنوب شمال در تمام زمینه‌های مهاجرت

این موضوع می‌تواند به عنوان مثال از طریق توسعه و گسترش تفاهم نامه‌هایی در مورد حقوق زنان مهاجر، موافقت نامه‌ها برای مقابله با قاچاق انسان تقویت شود. داشتن یک رویکرد مشارکتی که شامل گروه‌های آسیب پذیردرگیر مانند زنان و دختران، پسران، کارشناسان حوزه زنان باشد. ایجاد ظرفیت دولت‌های ایالتی، منطقه‌ای و محلی همراه با سازمان بین‌المللی کار، مهاجرین و پناهندگان برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و استفاده از داده‌های تفکیک شده وضعیت مهاجر بر اساس سن و جنس، ارزیابی سیاست‌های مهاجرتی در عمل، اندازه‌گیری اثرات سن و جنس در مورد گروه‌های آسیب پذیر، شناسایی ارتباط بین توسعه و مهاجرت (Birchall, Jenny, 2016: P.5)، عدم وجود اطلاعات و منابع و مسائل مربوط به هماهنگی سازی عملکرد کشورها به شدت توانایی ما را برای ارزیابی تئوری محدود می‌کند (Messias, Johnatan, Benevenuto, Fabricio, Weber, Ingmar, 2016: P.5). (Zagheni, Emilio, 2016: P.5) اطلاعات و داده‌ها به تفکیک جنسیتی در برنامه ریزی با توجه به نیازهای مختلف زنان و دختران به کار گرفته شود. سیاست‌های حساس به مسائل جنسیتی به تعدادی از عوامل متکی است تا اجرایی گردد از جمله این عوامل عبارتند از:

سیستم‌های بهبود یافته برای شناسایی گروه‌های پرخطر، ظرفیت سازی برای واسطه‌ها و میانجیگرها، بهبود در دسترس بودن اطلاعات به تفکیک داده‌ها، تقویت حمایت از خدمات بخش‌های خاص برای گروه‌های آسیب پذیر، استفاده و به کارگیری دستورالعمل‌های کمساریای عالی پناهندگان در پیشگیری از خشونت جنسی (Birchall, Jenny, 2016: P.5).

۲.۵ سیاست‌ها و رویکردهای بشردوستانه

سیاست‌ها و روش‌های سازمان‌های بشردوستانه و توسعه ظرفیت زیادی در راستای تاثیرگذاری و دگرگون کردن اثرات نسبت سن و جنس بر مهاجرت دارند. که برخی از نمونه‌ها ذیلا مورد بحث قرار گرفته‌اند:

اگرچه برخی از قوانین مهم بین‌المللی و چارچوب‌های مربوط به مهاجرت بدون اشاره به نیازهای متفاوت زنان توسعه داده شده‌اند، سازمان‌های بشردوستانه به وسیله‌ی طیف وسیعی از دستورالعمل‌ها، استراتژی‌های جنسیتی مهمی را گسترش داده‌اند. به عنوان مثال در کتاب راهنمای کمساریای عالی پناهندگان (UNHCR) در رابطه با حفاظت از زنان و

دختران، گستره‌ای از برخی چالش‌های حفاظت از زنان و دختران و طیف وسیعی از استراتژی برای فراهم کردن راه‌های مقابله با این چالش‌ها طراحی شده است. این سیاست، مختصری از مجموعه تعهدات کمیساریا برای تضمین این است که همه مردم می‌توانند از حقوق برابر بهره ببرند. این شامل تعاریف از سن و جنس و نیازهای مختلف زنان، دختران، مردان و پسران و کودکان، زنان مسن و افراد معلول، زنان و مردان متعلق به گروه‌های بومی، ملی و قومی، مذهبی و زبانی و اقلیت هاست. هدف شناسایی، پیشگیری و پاسخ به خطراتی است که زنان و دختران با آن روبرو هستند که این روش چهار عنصر دارد: ادغام سن و جنس در تمام انواع اقدامات و سطوح، بهبود حفاظت از زنان و کودکان با نیازهای خاص، بهبود حفاظت از کودکان از جمله نوجوانان، بهبود حفاظت از افراد دیگر با نیازهای خاص. در این کتاب راهنما یک بخش در رابطه با خشونت‌های مبتنی بر جنسیت در شرایط جابه‌جایی داخلی می‌باشد. این کتاب به دو بخش تقسیم شده که در بخش اول به حفاظت از جنسیت در مواقع اضطراری در چارچوب حقوق بین‌الملل و مشارکت و اقدامات بشردوستانه می‌پردازد. (Birchall, Jenny, 2016: PP.41,42).

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژه در مورد حقوق بشر مهاجران منصوب کرد که وظیفه دارد اطلاعات مربوط به موانع حفاظت از حقوق بشر مهاجران را دریافت و آسیب‌پذیری خاص زنان و کودکان و کسانی که بدون داشتن مدارک قانونی و غیرقانونی مهاجرت کرده‌اند را بررسی نماید. همچنین گزارشگر توصیه‌هایی مناسب برای جلوگیری و رفع نقض حقوق بشر مهاجران ارائه می‌نماید. این نقش در حال حاضر توسط فرانسوا کوپین ایفا می‌گردد. دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ دستور تأسیس گروه جهانی مهاجرت (GMG) را داد. هدف از تشکیل این گروه، ترویج استفاده گسترده از همه اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به مهاجرت است. در سال ۲۰۱۲ یک گروه فرعی راجع به مهاجرت، حقوق بشر و جنسیت توسط کمیساریای عالی حقوق بشر، زنان ملل متحد و یونیسف تأسیس شد. این گروه ارتقاء حفاظت از حقوق مهاجران و خانواده‌های آنها را ترویج نموده و از ادغام حقوق بشر و رویکرد حساس و مهم جنسیتی به مهاجرت در فرایندهای سیاسی کلیدی که شامل چارچوب‌های توسعه پس از ۲۰۱۵ است پشتیبانی می‌کند (Birchall, Jenny, 2016: P.35).

برخی از معاهدات مهم مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط بیش از ۱۴۰ کشور به تصویب رسیده‌اند اما به نظر

می‌رسد موانع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زیادی بر سر راه احقاق این حقوق در خصوص مهاجرین وجود دارد. در تلاش برای پر کردن این شکاف حمایتی، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها به عنوان اختصاصی ترین معاهده در این زمینه در سال 1990 به تصویب ملل متحد رسید و در ژوئیه 2003 لازم الاجرا گردید. اما حتی معاهدات خاصی که بر حقوق مهاجرین و بطور خاص (ILO) تمرکز دارند، نظیر مقابله نامه‌های شماره 97 و 143 سازمان بین‌المللی کار همین معاهده 1990 ملل متحد، هم نتوانسته اند دست کم در تئوری برای مهاجرین نسبت به سایر افراد حمایت های بیشتری را فراهم آورند. در چند سال اخیر ملل متحد توجه خود را نسبت به حقوق بشر مهاجرین مضاعف ساخته و در سال 1999 گزارشگر ویژه حقوق بشر مهاجرین را منصوب کرده است. (پورعزیزی مردخه، فاطمه، ۱۳۹۰: ۱، ۲). جامعه بین‌المللی بشردوستانه به طور فعال در تلاش برای مقابله با سوء استفاده جنسی و تجاوز بوده و با ارائه طرح هایی برای ایجاد دستورالعمل های روشن و عملیاتی و روش پاسخگو بودن در برابر استثمار و سوء استفاده جنسی بر این موضوع تأکید دارد (۲۰۱۶، International organization for Migration).

۳.۵ چالش‌های توسعه سیاست‌های جنسیتی مهاجرت

پیاده سازی و ارزیابی جنسیتی مهاجرت تاثیر مهم و واقعی در عمل دارد اما با محدودیت هایی روبرو است، از جمله این موانع، محدودیت در منابع، افکار عمومی منفی در رابطه با مهاجرت، حرکت و جابه جایی سریع انسانی و ظرفیت های نهادی ضعیف در مسیر اصلی جریان برابری و شکاف بین سیاست و عمل و در شواهد و داده ها می باشد.

۱.۳.۵ شکاف بین سیاست و عمل

بررسی اسناد حقوق بین‌المللی نشان می‌دهد که بازیگران و نهادهای بشردوستانه یک سری سیاست ها را با هدف شناسایی جنس و سن در مهاجرت توسعه داده اند. با این وجود در بسیاری از موارد این سیاست ها در عمل اجرا نمی شوند. در حالی که بازیگران بشردوستانه به طور فزاینده ای داده هایی را بر اساس سن و جنس جمع آوری و تجزیه و تحلیل کرده‌اند، این اطلاعات و داده ها در شکل دادن به برنامه نویسی یا برنامه ریزی برای نیازهای مختلف زنان و دختران استفاده نمی شود. آگاهی از این ناتوانی و نقص باعث شده که برخی از سازمان ها به دنبال یکپارچه سازی جنسیتی در برنامه ریزی در عمل باشند.

سیاست‌های مهم جنسیتی در عمل و برای اجرایی شدن به تعدادی از عوامل بستگی دارد این عوامل عبارتند از:

سیستم‌های بهبود یافته برای شناسایی گروه‌های پرخطر، ظرفیت‌سازی برای واسطه‌ها، میانجیگرها، بهبود در دسترس بودن و استفاده از تفکیک داده‌ها، ارائه خدمات و تقویت حمایت از بخش خاص و گروه‌های آسیب‌پذیر.

برخی از توصیه‌ها و دستورالعمل‌ها توسط کمیساریای عالی پناهندگان در پیشگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت در مهاجرت توسعه داده شده که شامل روش‌هایی برای گزارش می‌باشد. اما در عمل چالش‌هایی برای اجرای این سیاست‌ها وجود دارد از جمله این چالش‌ها عبارتند از:

- طولانی شدن حضور پناهندگانی است که در اردوگاه‌ها برای چندین سال زندگی می‌کنند

- در حالی که نقطه تمرکز صریح بر خشونت جنسی علیه زنان است در عمل دیگر شکل‌های خشونت جنسیتی که شامل دختران، پسران، مردان و دو جنسیتی هاست محدود مانده است

- به طور قابل توجهی رویکرد مشارکتی در کشورها با توجه به محدودیت‌های مالی و زمانی و کارکنان فاقد آموزش تحت تأثیر منفی قرار گرفته است.

- ناسازگاری و عدم هماهنگی بین بازیگران دولتی و حقوق بشری

- ناکافی بودن سیستم‌های جامع برای ثبت نام جهت شناسایی گروه‌های در معرض خطر

- داده‌های کیفی محدود در مورد گروه‌های آسیب‌پذیر

برای رسیدگی به این چالش‌ها توصیه‌هایی صورت گرفته از جمله این که:

اولویت یکپارچه سازی محلی برای پناهندگان، تدبیر استراتژی خروج از اردوگاه‌ها و

ایجاد فرصت‌های معیشتی برای توانمندسازی پناهندگان، توسعه سیاست خاص برای

نیازهای گروه‌های مختلف، داشتن متصدی یا مامور ناظر، آموزش منظم و اجباری برای

کارکنان کمیساریای عالی پناهندگان، استراتژی بهبود و مدیریت دانش و به اشتراک گذاری

اطلاعات، تعمیق مشارکت و همکاری با سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی، انتصاب

مشاور جنسیتی برای ارائه پشتیبانی تخصصی، ایجاد شبکه منطقه‌ای از سازمان‌های

غیردولتی از جمله سازمان های زنان برای حمایت های مشترک از کشورهای مبدا، ترانزیت و مقصد، تقویت ظرفیت ملی برای پاسخ به نیازهای خاص زنان و دختران آسیب پذیر توسط افزایش تعداد کارکنان با زمینه ی تخصصی جنسیت، سلامت زنان و مباحث خشونت، ایجاد ظرفیت برای ارائه دهندگان خدمات محلی و مددکاران اجتماعی در مسائل مربوط به خشونت، حقوق زنان، حساسیت فرهنگی، عدم تبعیض، کمک و مشاوره روانی و پیشگیری از سوءاستفاده جنسی، دسترسی به پناهگاه امن با تفکیک مناطق بر اساس جنسیت و خانواده (Birchall, Jenny, 2016: PP.51,52).

۲.۳.۵ عدم ظرفیت کافی برای جمع آوری داده ها به تفکیک جنسیت

برای بررسی روند تاثیر جنسیت بر الگوهای مهاجرت نیاز به داده های تفکیکی قابل اعتماد وجود دارد. مشکل مناطق، جابه جایی سریع و مهاجرت غیرقانونی است. در زمینه های انسان دوستانه ضروری است که بدانیم چه کسی آسیب دیده و در گروه خطر هستند. تفکیک داده هابر روی کمک های بشردوستانه اثر می گذارد تا مطمئن شویم کدام گروه ها از این کمک ها بهره مند شدند. یکی از اهداف جهانی توسعه پایدار ایجاد ظرفیت کشورها برای جمع آوری داده ها با کیفیت بالاست. البته استراتژی اخذ اطلاعات مشکل است، اگر پیشرفتی در دستیابی به این هدف صورت بگیرد، داده های جمع آوری شده به تفکیک سن و جنس سهم قابل توجهی در برنامه ریزی و سیاست مهاجرت خواهد داشت. برای مثال این تجزیه و تحلیل ارائه داده ها در سال ۲۰۱۳ در سیاست های مهاجرتی ۲۰۰ کشور جهان نشان می دهد هر کشور در سیاست های مهاجرتی خود بیشتر به کارگران ماهر، الحاق به خانواده و یکپارچه سازی غیر تبعه و تشویق بازگشت شهروندان و جذب سرمایه های خارج از کشور می پردازد. اما این گزارشات شامل اطلاعات در مورد درصد زنان در میان مهاجران بین المللی و تجزیه و تحلیل سیاست های ملی از منظر جنسیت نمی شود (Birchall, Jenny, 2016: P.53). برای رسیدن به دستاورد مطلوب در سیاست های مهاجرتی باید نتایج این سیاست ها به طور منظم بر میزان آسیب پذیری زنان و دختران مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج عملکرد خوب برخی از کشورها و سازمان ها در اختیار بقیه کشورها به عنوان الگوی سیاست های مهاجرتی قرار بگیرد.

۶. نتیجه‌گیری

این مقاله مروری بر سیاست‌ها، اسناد حقوقی بین‌المللی، علل، فرصت‌ها و چالش‌ها و آسیب‌های زنانه شدن مهاجرت می‌باشد. درک پیچیدگی‌های جنسیت و مهاجرت می‌تواند در برنامه‌ها و سیاست‌هایی که موجب افزایش مزایا و کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی برای زنان مهاجر که نیمی از جمعیت مهاجر جهانی را تشکیل می‌دهند، کاربرد داشته باشد. برای چنین درکی، تحلیل‌گران و کارشناسان نیاز به اطلاعات قابل اعتماد و دقیق برای تجزیه و تحلیل نقش جنسیت در مهاجرت دارند. جامعه ملی و بین‌المللی باید به جای تلاش برای مقابله با مهاجرت، به عنوان مدل امنیتی دولت محور، با تأکید بر امنیت انسانی به دنبال شناسایی و کاهش تهدیداتی که منجر به مهاجرت‌های اجباری، نامنظم و بی‌رویه و غیرقانونی می‌شود باشد. شناختن علل مهاجرت و ارائه راه‌حل‌ها برای کاهش چالش‌ها و افزایش فرصت‌های مناسب ناشی از آن، کمک خواهد کرد تا روند مهاجرت بیشتر منطقی، ایمن و انسانی بوده و حتی منجر به توانمندی و ایجاد فرصت برای مهاجرین باشد. لیکن جایگاه زنان مهاجر از مردان مهاجر در مهاجرت متفاوت است. علل و زمینه‌های مهاجرت، اشکال آزار و اذیتی که مهاجران از آن رنج می‌برند و پیامدها و تبعات آن نسبت به زنان متفاوت است. ما نیازمند رسیدگی به وضعیت خاص و آسیب‌پذیری زنان توسط ترکیب دیدگاه‌های جنسیتی در سیاست‌های مهاجرتی و قوانین ملی هستیم. زنان مهاجر باید از منظر نابرابری جنسیتی، نقش‌های سنتی زنان، بازار کار جنسیتی، خشونت مبتنی بر جنسیت، فقر و کار در مهاجرت مورد توجه قرار گیرند. عوامل متعددی نظیر جهانی‌سازی، تمایل به دستیابی به فرصت‌های جدید، فقر، رویه‌های مبتنی بر جنسیت و خشونت جنسی در کشورهایی که محل وقوع جنگ یا بلایای طبیعی هستند، به عنوان عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت زنان معرفی شده‌اند. در اغلب مواقع آمارهای مهاجرت در برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی و امنیت اهمیت می‌یابند. تهدیدات امنیتی به ویژه برای مهاجران اجباری و غیرقانونی زنان و کودکان به عنوان جمعیت‌های آسیب‌پذیر حادث‌تر است. پیش‌بینی آسیب‌های زنان مهاجر بدون داشتن آمار مهاجرت به تفکیک جنسیتی، مطلوبیت لازم را نخواهد داشت. چنان‌چه کشوری آمار دقیقی از مهاجران و انواع آسیب‌های آنان به تفکیک جنسیتی نداشته باشد، نمی‌تواند وضعیت مهاجران کشور خود را به درستی ارزیابی نماید. در نتیجه سیاست‌های مربوط به مهاجرت مبهم و منطبق با واقعیت نبوده و کارایی مناسب برای ارائه راهکار جهت مقابله با بحران‌های ناشی از این آسیب‌ها

را نخواهد داشت. بدیهی است که سیاست های مهاجرت، اگر با داده های قابل اعتماد پشتیبانی نشود و مرجع آمار رسمی نداشته باشد، نتیجه‌ی آن اتلاف وقت خواهد بود. آمار مهاجرت‌های بین‌المللی مخصوصاً به تفکیک سن و جنس، در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای کم‌تر توسعه یافته و نیز در حال توسعه ناقص و غیر قابل قبول است. داده های تفکیکی ناکافی براساس جنسیت و سن و این که آیا زنان مهاجر بدون همراه هستند یا با همراه و یا قاچاق شده‌اند، وضعیت نامعلومی دارد. همچنین اطلاعات کمی در بخش هایی که زنان اغلب به نسبت بالادر بخش های غیر قابل کنترل و نظارت و مشاهده کار می‌کنند وجود دارد. با وجود مهاجرت قابل توجه زنان، ما با فقدان اطلاعات و داده ها به تفکیک جنسیت در این رابطه مواجه هستیم. درک نقش زنان در مهاجرت نه تنها به داده ها و اطلاعات به تفکیک جنسیت بستگی دارد، بلکه به درک و فهم از چگونگی نقش و ارتباط جنسیت با هر نوع از مهاجرت دارد. علاوه بر جمع آوری داده ها، دولت ها باید اطلاعات خود را برای تسهیل همکاری به اشتراک بگذارند. علیرغم تلاش کمیساریای عالی حقوق بشر، سازمان بین‌المللی مهاجرت و یونیسف در جمع آوری و به اشتراک گذاری اطلاعات در مورد زنان و کودکان هنوز هم اطلاعات ناکافی به تفکیک سن و جنس وجود دارد. این تفکیک داده‌ها توسط سازمان های بین‌المللی، غیردولتی، پژوهشگران، گروه‌های مهاجرین ضروری است. تحقیقاتی که درباره مهاجرت انجام می‌گیرد اغلب بر اساس مسائل اقتصادی و مالی، هزینه و فایده تجزیه و تحلیل می‌شود. لیکن در این تجزیه و تحلیل ابعاد جنسیتی مهاجرت دارای اهمیت است. این تجزیه و تحلیل ها باید شامل یک تفسیر اجتماعی که ریشه در هنجارهای فرهنگی و جنسیتی که مرتبط با شکل نقش ها و انتظارات و رفتارهای مرتبط با آن ها باشد. تحلیل جنسیتی نشان می‌دهد که چگونه جنسیت می‌تواند دسترسی به منابع و تفاوت در قدرت و برابری را در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و حقوقی تحت تاثیر قرار دهد. در این میان باید توجه داشته باشیم فقر و کسب درآمد تنها علل مهاجرت زنان نیست بلکه برخی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی سرکوبگر، عدم دسترسی به آموزش و شغل های با مهارت بالا، محدودیت های قانونی،... منجر به افزایش مهاجرت زنان شده است. دولت ها باید اقداماتی در تلاش برای رسیدگی به مهاجرت های بی رویه و پاسخ به علل مهاجرت زنان، آسیب پذیری آن ها نسبت به تبعیض، استثمار و سوء استفاده انجام دهند. بی تفاوتی نسبت به مهاجرت زنانه منجر به عدم وجود سیاست های مربوطه و آگاهی عمومی در کشورهای مبدا و میزبان شده و محافظت از حقوق، ایمنی و بهداشت روانی زنان مهاجر را سخت و دشوار می‌نماید. بنابراین ما نیازمند تغییر و تحول

در قوانین و سیاست‌ها برای بهبود شرایط زنان مهاجر در کشور های مقصد و مبداء و قوانین بین‌المللی هستیم از جمله تنظیم و بهبود شرایط کار برای همه کارگران مهاجر زن، نظارت بر اجرای سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی کار برای زنان و بهبود آن‌ها، از بین بردن زمینه‌های سوء استفاده و اشتغال غیرقانونی و کاهش شیوه‌های تبعیض آمیز کار برای زنان، کاهش علل مهاجرت زنان و پایبند کردن آن‌ها به زندگی در کشورهای خود از طریق بهبود شرایط زندگی و موقعیت آن‌ها و پاسخگویی به مطالباتشان و در نهایت توسعه سیاست‌های الحاق به خانواده و پذیرش و توانمند سازی پس از بازگشت به کشور. علیرغم وجود استانداردهای جامع میثاق برای حق سلامت و کنوانسیون‌ها باز کارگران مهاجر با طیف گسترده‌ای از چالش‌های بالقوه بهداشتی در چرخه مهاجرت روبرو می‌باشند. لذا در این راستا هدایت سیاست‌ها و برنامه‌ها از طریق سازمان بین‌المللی کار و سازمان بین‌المللی مهاجرت، یونیسف، کمیساریای عالی حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی در راستای اهمیت به حساسیت‌های جنسیتی مهاجرت می‌تواند کارساز باشد. تسهیل مهاجرت امن و مسئولانه از طریق کمپین‌های اطلاع‌رسانی و ایجاد سیاست‌های مهاجرتی حساس به جنسیت و مدیریت و ارزیابی آن‌ها و از بین بردن برخی موانع حقوقی، اجتماعی و کمک به اجرایی شدن این سیاست‌ها از وظایف دولت‌های مبداء و مقصد و جامعه مدنی و بین‌المللی بوده و نیاز است تا شکاف بین سیاست و عمل پر شود. چه بسا مهاجرت اگر از مسیر قانونی و قاعده مند رخ دهد منجر به توانمندی زنان و دختران، دسترسی به آموزش و منابع اقتصادی بهتر و بیشتر و بهبود استقلال و موقعیت آنان و تغییر برداشت‌های سنتی از زنان به عنوان افراد وابسته گردد. آنچه می‌توان برای کاهش آسیب‌های مهاجرت در کشورهای مقصد و مبداء اذعان نمود، نقش برنامه ریزی و مدیریت کشورهای مبداء برای کاهش کاستی‌ها و ایجاد شرایط مطلوب برای نگهداشت زنان با ارتقاء انگیزه‌های زیستی در کشورشان می‌باشد. ناکافی بودن سیاست‌های مهاجرتی موجود، چارچوب‌های قانونی و سیاست‌های مهاجرتی حساس به مسائل جنسیتی، محدودیت در الحاق به خانواده به طور جدی منجر به تضعیف روابط خانوادگی و حقوق کودکان و زنان می‌شود بنابراین باید اثرات سیاست‌های مهاجرتی بر گروه‌های آسیب پذیر از لحاظ سن و جنس مورد ارزیابی قرار بگیرد. حقوق الحاق به خانواده برای همه مهاجران در قوانین مهاجرت تعبیه شود و بر این اساس که همه مهاجران حق زندگی با خانواده را دارند، برخی از موانع صدور ویزا حذف شده و زمان بندی توسعه یابد به ویژه برای زنانی که نیاز به پشتیبانی والدین در زمان‌های مهم نزدیک زایمان و مراقبت از کودکان دارند. بهبود اطلاعات در مورد حقوق

زنان و دسترسی به یک سیستم مؤثر مراجعه به دادگاه و مراجع قضایی علیه استثمار کارفرمایان، ادغام در جامعه، پیاده سازی مفاد کنوانسیون پالمو و دیگر اسناد بین المللی راجع به مهاجرت توسط دولت ها از دیگر مواردی است که رعایت آن ها برای تامین امنیت زنان مهاجر و کاهش آسیب ها الزامی است. برای مثال هرچند کنوانسیون حقوق کودک استانداردهایی برای هر دو جنسیت و کودک در قوانین و سیاست های مهاجرت فراهم می کند، اما در عمل منافع دختران و زنان مهاجر به ندرت در قوانین و سیاست های مهاجرت پوشش داده می شود. کنوانسیون حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن ها اولین کنوانسیون بود که به وضوح همه حق ها را به هر دو جنس هم زنان و هم مردان اختصاص می دهد. با این حال نیازهای خاص زنان مهاجر را عنوان نمی کند. این کنوانسیون تا سال ۲۰۰۳ اجرایی نشد. تا به امروز تنها توسط ۴۸ کشور به تصویب رسیده است. این چالشی آشکار از لحاظ اجرایی شدن آن است. به دلیل این که کنوانسیون حقوق مهاجران غیرقانونی را به رسمیت شناخته و تأکید بر برابری شرایط کار با مهاجران قانونی دارد، مورد مخالفت برخی کشورها قرار گرفته است. در چند سال اخیر سازمان ملل متحد توجه خود را نسبت به حقوق بشر مهاجرین مضاعف ساخته است. اما دولتها به عنوان طرفین اسناد بین المللی حقوق بشر همچنان بازیگران اصلی در زمینه حمایت از حقوق بشر برای تمامی مهاجرین بوده و در این میان دولتهای میزبان در حمایت از مهاجرین جایگاه کلیدی را در اختیاردارند. بنابراین در کنار توجه روز افزون جامعه بین المللی نسبت به مسائل عام حقوق بشری موضوع امنیت و حقوق بشر مهاجرین بالاخص زنان و ترویج حاکمیت قانون در سطوح ملی و بین المللی و تضمین دسترسی برابر به عدالت برای زنان باید بطور خاص مطرح شده و مورد توجه بیشتر کشورها و جامعه بین المللی قرار بگیرد.

کتابنامه

کتاب

- کتاب راهنما، (۲۰۱۰)، پاسخ های مؤثر پلیس به خشونت علیه زنان، دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل، انتشارات سازمان ملل
- زرقانی، سیدهادی، سجاسی قیداری، حمداله، موسوی، زهرا، (۱۳۹۵)، درآمدی بر مهاجرت و امنیت، تهران، انتشارات انجمن ژئوپولیتیک ایران.
- خاوری نژاد، سعید، (۱۳۹۳)، اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان ایران، بررسی جنبه های نظری و عملی مهاجرت نخبگان ایرانی در سال های ۹۰-۱۳۷۰، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد

مقالات

افروغ، عبدالمحمد، زارعی، مصطفی، (۱۳۹۴)، " بررسی قاچاق انسان در قوانین ایران و حقوق بین‌الملل و تأثیر متقابل مهاجرت بر آن"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۴ سجادپور، کاظم، (۱۳۸۴)، " چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی مطالعه موردی ایران"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸، شماره مقاله ۶۵۱ صادقی، رسول، ولدوند، لیلا، (۱۳۹۴)، " تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران"، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال چهارم، شماره ۷ صادقلو، طاهره، (۱۳۹۳)، " تبیین مفهومی علل و بازخوردهای زنانه (مونث) شدن مهاجرت‌های روستایی"، همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد. عباسی، محمود، دهقانی، غزاله، رضایی، راحله، (۱۳۹۴)، " الزامات حقوقی اسناد بین‌المللی در قبال بهداشت و سلامت عمومی و چالش‌های فراروی آن"، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۳۳، شماره ۲. فریدونی، احمد، (۱۳۹۳)، بررسی حقوق کارگران مهاجر از دیدگاه سازمان بین‌المللی کار با نگاهی تطبیقی به نظام حقوق ایران، دانشگاه سمنان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه حقوق فتحی، الهام، (۱۳۹۵)، " تقویت منابع تولید آمار مهاجرت بین‌المللی در ایران، چالش‌ها و راهکارها، آمار، شماره ۱۹، ص ۲۷. فابل دسترسی در سایت:

Downloaded from amar.srtc.ac.ir at 10:47 IRST on Wednesday January 11 th,2017

مشفق، محمود، خزایی، معصومه (۱۳۹۴)، تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال هفدهم، شماره ۶۷ مؤمنی زاده، ندا، (۱۳۹۳)، "تحلیل مقایسه‌ای در خصوص زنان سرپرست خانوار"، مجله اقتصادی، شماره‌های ۳ و ۴ وثوقی، منصور، حجتی، مجید، (۱۳۹۱)، "مهاجران بین‌الملل، مشارکت کنندگان در توسعه‌ی زادگاهی، مورد مطالعه شهر لار"، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره دوم یزدان پناه درو، (۱۳۹۴)، "بررسی ازدواج مردان مهاجر افغانی با دختران ایرانی و آثار و پیامدهای اجتماعی آن بر کشوربر مبنای جغرافیای جرم و آسیب‌های اجتماعی"، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۳

پایان‌نامه‌ها

پورعزیزی مردنخه، فاطمه، (۱۳۹۰)، مهاجرت بین‌المللی و حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

Anderson, Bridget, (2015), "The Challenge and Opportunity of Migration From a gender Perspective", European Commission

- Birchall, Jenny,(2016), Gender, Age and Migration An Extended Briefing, Bidge Development-Gender, Institute of Development Studies (IDS)
- Best Practice Guide Inter-Agency Community-Based Complaint Mechanisms (2016), Protection AGAINST Sexual Exploitation and Abuse IASC Inter-Agency standing committee Iom, The un Refuge Agency UNHCR Publisher: international organization for Migration, Website:www.iom.int
- Caarls, Kim, Mazzucato, Valentina,(2016), “Transnational relationships and reunification: Ghanaian Couples Between Ghana and Europe Demographic Research A peer-reviewed, open-access journal of population sciences Vol.34, Article 21, pages 587-614, 24 march 2016. available at:<http://www.demographic-research.org/vol.34/DoI:10.4054/Demres>
- Fleury, Anjali ,(2016), “Understanding Women and Migration: A Literature Review knomad Working Paper 8
- Fukuda, Parr, S. & Messineo, C. (2012), Human Security: A Critical Review of the literature, Centre for Research on Peace and Development (CRPD) Working Paper, No. 11, Available at: <http://www.kuleuven.be/crpd>
- General Comment No.26 On Women Migrant Workers, CEDAW/c/2009/wp.1/R,2 december,2008
- Goums, Amanda,(2016),”The Feminization of Migration, see discussions, state and author profiles for this publication at: <http://www.researchgate.net/publication/268056291>, Department of political science university of Stellenbosch
- Kholmatova, Nodria, (2016), “Changing the Face of Labor Migration? Feminization of Labor Migration By Nodira Kholmatova PHD Researcher , European university Institute , Florence , Italy
- Karen, Oreilly, (2012), Loughborough university Institutional Repository International Migration and Social theory. Basingstoke: Palgrave Macmillan the definitive, published, version of record is available here: <http://www.palgrave.com> . publisher: palgrave macmillan Karen oreilly full details of this licence are available at: <https://creativecommons.org> , <http://dspace.lboro.ac.uk/dspace-jspui/bitstream/2134/156>
- Lori L. Heise, Jacqueline Pitanguy and Adrienne Germain, Violence against Women: The Hidden Health Burden, World Bank Discussion Paper No. 255 (Washington, D.C., World Bank, 1994
- Messias, Johnatan, Benevenuto, Fabricio, Weber, Ingmar, Zagheni, Emilio,(2016),”From Migration Corridors to clusters: The Value, of google data for migration studies. <http://www.researchgate.net/publication/304789166> conference paper
- Nicolas, Cesar,(2007),”Feminization of Migration, Working Paper 1, United nations international Research and Training Institute For The Advancement of Women,”The Feminization of International Labor Migration, Website:www.un-instraw.org
- Oneil, Tam,Fleury, Anjali& Foresti, Marta, (2016), Women on the move Migration, gender equality and the 2030 Agenda for Sustainable Development , Federal Department of Foreign Affairs FDFA, Swiss Agency for Development and Cooperation SDC

- Pillinger, Jane,(2016),” Immigrant council of Ireland, Independent Law Center, the Feminization of migration: Experience and opportunities in Ireland, Report Commissioned by the council of Ireland
- Piper Nicola.(2003).”Feminization of Labor Migration as Violence Against Women, International,Regional and Local Nongovernmental organization Responses in Asia”, Australian National University, Violence Against Women, Vol.9.No.6,June 2003
- Rights of Migration Women: Achild Rights Perspective,(2016), Global Forum on Migration& Development 2nd Edition- Bridging Paper 4- December 2016, This paper i s part of the second edition of child bridging papers for the civil society days of the global forum on migration and development, The bridging documents can be downloaded on www.terredeshommes.org
- Transforming our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development. . A/RES/70/1.(201۵),<http://www.un.org>
- The Right to Health, Right to Health For Low-Skilled Labour Migrants in Asean Countries , United Nations Development, 2015
- Vietti, Francesca,(2013),”Human Insecurity: Understanding International Migration From a Human Security Perspective”, Journal of Migration and Human Security,
- Wickramasinghe,A.A.I.N,(2016), International Migration and Migration Theories, wjitapure wimalaratana Social affairs: A Journal for the Social sciences Vol.1,No.5,P.13. available at: <http://www.socialaffairsjournal.com>
- Zeljko, Goran, Ognjanovic, Maja,(2016),”Human Security BRIFF the Balkan Migration Route , Human Security studies, university of Belgrade. Volume 1. www.Conference.humansecurity.info